

اخلاق اقتصادی در آموزه ها و عملکرد دولت اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۲۵

سیدمحمدحسن مصطفوی*

چکیده

فساد، اعتماد سرمایه‌گذاران را سلب می‌کند، صاحبان مؤسسات را در تولید به تحمل مخاطره و هزینه بیشتر وامی‌دارد، اعتبار کشور را تنزل می‌دهد، قابلیت اعتماد صاحبان حرف و مشاغل و دولت را به میزان زیادی از بین می‌برد و جامعه عزت نفس و اطمینان به حکومت قانون و نهادهای دولتی را از دست می‌دهد. کاهش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی ناشی از فساد، مانع پیشرفت اقتصادی و سبب بروز مشکلات اجتماعی عدیده می‌شود.

ظهور فساد و رانت مساله تازه‌ای در اقتصاد ایران نیست. اقتصاد ایران در قبل و بعد از انقلاب همواره شاهد این پدیده بوده است. افرادی که مسبب اصلی این مساله اند، ارتباط تنگاتنگی با ساخت قدرت در کشور دارند. البته ارتباط افراد با ساخت قدرت به تنهایی نمی‌تواند شرط لازم و کافی این پدیده در کشور باشد. ظهور این افراد در ساخت اقتصادی کشور علل گوناگونی دارد و بعضاً ممکن است آن را با برخی استدلال‌ها توجیه کنند. در مکتب کارآمدی فساد، با تأکید بر ناکارآمدی قوانین و نهادها در کشورهای در حال توسعه، فساد را روشی برای غلبه بر ناکارآمدی قوانین و مقررات تلقی می‌کنند. در دهه های اخیر، برخی فساد مالی را تسهیل‌کننده توسعه می‌دانستند و مدعی بودند که راهی مؤثر برای دور زدن مقررات مزاحم و دست و پاگیر غیر اثر بخش است؛ که در مقاله به آنها پرداخته خواهد شد.

در حالی که از نظر پیشوایان دینی، اگر فساد مالی در جامعه سیطره یابد، وحدت جامعه که پشتوانه حکومت دینی است، از بین می‌رود و اخلاق اجتماعی و فردی و ریشه های اعتماد در هم می‌ریزد و تضاد اجتماعی جایگزین وحدت می‌شود. و اسلام با قدرت و با استفاده از اهرم های مادی و معنوی با آن مبارزه می‌کند و بر مردم، جامعه و حکومت اسلامی نیز در انجام این مهم تکلیف کرده است. با این حال، در رتبه بندی ادراک فساد سازمان شفافیت بین المللی، ج.ا.ایران جزو ۱۸ درصد قعر جدول قرار گرفته و به عبارت دیگر، ۸۲ درصد از ۱۸۱ کشور که مورد مطالعه قرار گرفته اند، در این شاخص وضعیتی برتر از کشورمان داشته اند!

مقاله حاضر که با استفاده از داده های کتابخانه ای و اسنادی و به روش توصیفی-تحلیلی نگارش یافته، به «اخلاق اقتصادی در آموزه ها و عملکرد دولت اسلامی و مروری بر فعالیت های مرتبط در ج.ا.ایران با تأکید بر فساد مالی» پرداخته و نشان داده که فساد، علاوه بر اقتصاد، دیگر عرصه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را نیز به شدت تحت تأثیرات منفی خود قرار می‌دهد و در پایان، پیشنهاداتی برگرفته از آموزه‌ها و عملکرد دولت اسلامی و نیز یافته‌های مقاله ارائه شده است.

واژگان کلیدی: جرم، فساد مالی و اقتصادی، رانت جویی، اختلاس، رشوه، آموزه‌های اسلامی، عملکرد دولت اسلامی

طبقه‌بندی JEL: Z12, E69

مقدمه

یکی از اهداف اولیه دولت‌ها، برقراری انضباط اجتماعی و مالی است. توجه خاص به این هدف در پایداری زیرساخت‌های اساسی هر حکومتی و مشروعیت و مقبولیت بخشیدن به آن تأثیر بسزایی دارد. در عوض، کوتاهی دولتمردان در تحقق این هدف، باعث تضعیف آنها شده و زمینه تضعیف و به تبع آن براندازی حکومت‌ها را فراهم می‌سازد. از این رو، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که هرگاه بی‌انضباطی اجتماعی و مالی از مجریان دولتی ناشی شود، حقوق و منافع عموم جامعه تحت تأثیر قرار گرفته و آسیب‌های جدی‌تری بر پایه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه و حکومت وارد خواهد شد.

فساد، اعتماد سرمایه‌گذاران را سلب می‌کند، صاحبان مؤسسات را در تولید به تحمل مخاطره و هزینه بیشتر وامی‌دارد، اعتبار کشور را تنزل می‌دهد، قابلیت اعتماد صاحبان حرف و مشاغل و دولت را به میزان زیادی از بین می‌برد و جامعه عزت نفس و اطمینان به حکومت قانون و نهادهای دولتی را از دست می‌دهد. کاهش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی ناشی از فساد، مانع پیشرفت اقتصادی و سبب بروز مشکلات اجتماعی عدیده می‌شود (ر. ک: رهبر و همکاران، ۱۳۸۱).

فساد مالی عموماً به سوء استفاده از قدرت عمومی برای دستیابی به منافع شخصی تعبیر می‌شود. ادبیات نظری دیدگاه دوگانه‌ای درباره فساد و رشد آرایه می‌نماید. گروهی معتقدند که فساد از طریق دور زدن قوانین و مقررات ناکارآمد و انعطاف‌ناپذیر، به افزایش می‌انجامد و گروه دیگری فساد را نیرویی می‌دانند که به عملکرد مناسب بازارها آسیب می‌رساند و موجب کاهش رشد می‌شود (صباحی و همکار، ۱۳۸۸). ظهور فساد و رانت مساله تازه‌ای در اقتصاد ایران نیست. اقتصاد ایران در قبل و بعد از انقلاب همواره شاهد این پدیده شوم بوده است. افرادی که مسبب اصلی این مساله‌اند، ارتباط تنگاتنگی با ساخت قدرت در کشور دارند. البته ارتباط افراد با ساخت قدرت به تنهایی نمی‌تواند عامل این اتفاق در کشور باشد. ظهور این افراد در ساخت اقتصادی کشور علل گوناگونی دارد (تاجگردون، ۱۳۹۲) که در مقاله به آنها پرداخته خواهد شد.

این مقاله با داده‌های کتابخانه‌ای = اسنادی و با روش توصیفی-تحلیلی، بعد از مقدمه به مباحث زیر می‌پردازد: ادبیات موضوع، سابقه مطالعات جرم و فساد مالی، ملاحظات نظری، ابزارهای فساد مالی و اقتصادی، سطح، شدت و درجه‌بندی فساد، انواع فساد مالی، آثار و پیامدهای فساد مالی، وضعیت کشورهای جهان و ایران از نظر فساد، ریشه‌ها و انگیزه‌های فساد

مالی و اقتصادی با تأکید بر ایران، فساد مالی از دیدگاه اسلام، پیامدهای فساد مالی از نظر اسلام، راه حل های مبارزه با فساد مالی از دیدگاه اسلام، جمع بندی و سخن پایانی و در پایان، راه حل های کاهش فساد مالی برگرفته از یافته های مقاله.

۱. ادبیات موضوع

جرم: دانشمندان، تعاریف گوناگونی از جرم ارائه نموده‌اند ولی تاکنون تعریف جامع مورد قبول همگان، از آن به عمل نیامده است (دانش، ۱۳۷۶)؛ اما برخی از حقوقدانان معتقدند که نقض قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی، در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد، جرم نامیده می شود (علی آبادی، ۱۳۴۳). اگرچه تئوریسین‌های بزرگ جنایی نیمه دوم سده هیجدهم «بکاریا» و «بنتام» به سودمندی جرایم معتقد بودند.

تعریف جرم در قوانین کیفری کشورهایی که اصل قانونی بودن جرم و مجازات را به منظور حفظ آزادی فردی پذیرفته‌اند، متفاوت است. در جمهوری اسلامی ایران، طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی - مصوب سال ۱۳۷۰ - هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود.

در سوئیس کسی را نمی توان مجازات کرد، مگر اینکه عملی را که مطابق قانون برای آن مجازات تعیین شده مرتکب شود^۱. در مجموعه قوانین کیفری فرانسه، تعریفی از جرم به عمل نیامده، فقط به ذکر نوع جرایم با توجه به مجازات آنها اکتفا شده است^۲. در قوانین کیفری اکثر کشورهای سوسیالیستی جرم تعریف نشده و اطلاق حالت خطرناک به افراد به معنای وسیع پذیرفته شده است. تفسیر جرم و حیطة اطلاق حالت خطرناک بسیار وسیع بوده و حدود اصل قانونی بودن مجازات برای حفظ آزادی فردی مشخص نیست (صادقی، ۱۳۸۹) که یکی از دلایل ناراضی تراشی در آن کشورها بوده است.

فساد مالی: با توجه به گستردگی پدیده فساد مالی مانند جرم، ارائه تعریفی جامع که برای تمام ملت‌ها به طور یکسان پذیرفته شده باشد، بسیار مشکل و تقریباً غیرممکن و به

۱. ماده ۱ قانون جزای سوئیس مصوب اول اکتبر ۱۹۷۶.

۲. ماده ۱-۱۳۱ تا ۱۸-۱۳۱ مجموعه قوانین کیفری فرانسه مصوب ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۳ که از اول مارس ۱۹۹۴ به مورد اجرا گذاشته شده است.

همین دلیل، تعاریف گوناگونی در سطح ملی و بین‌المللی از طرف صاحب‌نظران درباره فساد ارائه شده است.

در عربی، کلمه «فساد» از ریشه «فسد» بوده که به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است و در زبان انگلیسی با عنوان «Corruption» و ریشه لاتینی «Rumpere» مطرح می‌شود که به معنای شکستن و نقض کردن است، و چیزی که شکسته یا نقض می‌شود می‌تواند قوانین و مقررات یا قواعد اداری باشد (تانزی، ۱۳۷۸). بدین معنا، فساد یعنی هر پدیده‌ای که مجموعه‌ای را از اهداف و کارکردهای خود باز دارد. در فارسی برای فساد معانی مختلفی مانند: تباهی، به ستم مال کسی را گرفتن، شرارت و بدکاری، عمل ناشایست و زشت، فسق و فجور، دشمنی و کینه و فتنه و آشوب ذکر شده است.

از دید منتسکیو «فساد یک سامانه سیاسی خوب و صحیح را به یک سامانه زشت و ناپسند تبدیل می‌کند. از نظر وی در حکومت مشروطه نیازی به روی آوردن به فساد نیست. اما در حکومت استبدادی که شرافت و تقوی وجود ندارد، نمی‌توان به انجام هیچ کاری بدون استفاده مفسدانه امید داشت» (زاهدی، ۱۳۷۵).

همچنین فساد مالی عبارت است از «سوء استفاده از قدرت، اختیارات و قوانین که منافع و سود شخصی برای افراد یا گروهی خاص فراهم می‌کند». طبق این تعریف، فساد مالی درست در نقطه تلاقی بین بخش عمومی و بخش خصوصی صورت می‌گیرد. طبق این تعریف، اعمال و رفتار منفعت‌جویانه کسانی که نمایندگی بخش عمومی را بر عهده دارند و از قدرت و اختیارات دولتی نیز برخوردارند و از این اختیارات و قدرت دولتی برای مقاصد شخصی، خانوادگی و گروهی استفاده می‌کنند، فساد تلقی می‌شود. و نیز هر نوع تصرف غیر قانونی در اموال دولتی و سوء استفاده از موقعیت و استفاده غیر قانونی از اختیارات و قدرت در جهت استفاده از امکانات مالی، فساد مالی است که دارای مصادیقی چون اختلاس، رشوه، اخاذی، و رانت‌های اقتصادی، برداشت و دخل و تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال، استفاده از امتیازات و بهره‌برداری‌های مالی و اشکال گوناگون دیگر و به عبارت دیگر، فساد مالی، سوء استفاده از مقام و موقعیت دولتی (عمومی) برای کسب منافع شخصی است.

تجربیات و تحقیقات بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد بین وسعت کارهای فاسد، و میزان زمانی که مدیران، صرف ملاقات با مسؤولان دولتی به منظور جلب نظر آنها می‌کنند، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. صاحبان شرکت‌هایی که رشوه بیشتر، نسبت به کسانی که رشوه کمتری می‌پردازند، ناچارند یک - سوم بیشتر از بقیه بنگاه‌داران، وقت‌شان را با مسؤولان

دولتی صرف کنند. که نشان می دهد که لزوماً انجام کارهای فسادآمیز، انجام کار را تسریع نمی بخشد (کافمن، ۱۳۷۷).

رشاء، ارتشاء، تصرف غیرقانونی، تدلیس و تبانی در معاملات دولتی، اختلاس، ربا، اخذ پورسانت، تحصیل مال از طریق نامشروع، کلاهبرداری‌هایی که دولت از آن متضرر می شود، اخذ کمیسیون در معاملات دولتی، عدم ایفای تعهدات ارزی، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، اختلالگری در نظام اقتصادی کشور، مداخله کارمندان دولت در معاملات دولتی، قاچاق کالا و ارز، پولشویی، تضییع وجوه و اموال دولتی از طریق اهمال یا تفریط از جمله مصادیق این تعریف است.

فساد، متضمن تخطی از وظایف در ازا یا به امید سود مادی شخصی، قدرت و یا شهرت است. و با توجه به تعاریف مختلف، می توان فساد مالی و اقتصادی را سوء استفاده از مقام، موقعیت و اختیارات و قوانین و مقررات در جهت منافع شخصی تعریف نمود که شرایط و نحوه آن در کشورهای مختلف متفاوت است و آداب و قوانین نیز همواره با یکدیگر همخوانی ندارند. این پدیده همواره - کم و زیاد- با اجتماعات بشری همراه بوده، و امری نسبی و مرتبط با نظام ارزش‌های یک جامعه و بخصوص در بخش عمومی و کارگزاران دولتی مطرح است.

۲. سابقه مطالعات جرم و فساد مالی

مطالعه سازمان یافته و مضبوط اقتصاد جرم به تاریخ ۱۸۲۹ برمی گردد که توسط ادوین چادویک^۱ انجام گرفت. پس از آن، بکر^۲ (۱۹۶۸)، استیگلر^۳ (۱۹۷۰)، ارلیک^۴ (۱۹۷۳)، رونالدز^۵ (۱۹۸۰) نیز مطالعات را تکمیل نمودند. این صاحب نظران، با استفاده از علم اقتصاد، مجموعه‌ای از وسایل علمی و فنی را در اختیار اقتصاددانان معاصر قرار دادند تا بتوانند تئوری‌های حقیقی اقتصاد جرم را که مبتنی بر سودمندی فعالیت مجرمانه برای مجرم می باشد، ارائه کنند. گری بکر آثار متعددی در این زمینه منتشر و به گسترش نظریه کمک کرده که در بحث مطالعات نظری به یکی از مهم ترین آنها پرداخته شده است. در داخل نیز مطالعاتی به انجام رسیده که به موارد مرتبط تر اشاره می شود.

1. Edwin chadwick
2. Becker
3. Stigler
4. Ehrlich
5. Ronalds

صباحی و همکار (۱۳۸۸) به «بررسی اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی» در نمونه‌ای وسیع از کشورهای جهان و در دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ پرداخته‌اند. مقاله آنان، با استفاده از شاخص کنترل فساد تهیه شده توسط مؤسسه بانک جهانی، تأثیر فساد مالی را بر رشد اقتصادی در سه گروه کشورهای پردرآمد، کشورهای با درآمد متوسط و کشورهای کم درآمد، بررسی نموده است. نتایج برآورد مدل تحقیق، گویای این است که اگرچه در کشورهای پر درآمد و کشورهای دارای درآمد متوسط، کنترل فساد با رشد اقتصادی ارتباط مثبت معناداری دارد، در کشورهای کم درآمد این ارتباط منفی و معنادار است!

رهنورد و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله «شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه‌های اجرایی»، سعی کرده‌اند با در نظر گرفتن علل ریشه‌ای شکل‌گیری و تداوم پدیده فساد، راهکارهای مناسبی برای رفع یا تقلیل آن ارائه دهند.

صادقی، عساری و شقاقی (۱۳۸۸) در مقاله «اندازه‌گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی (رویکرد اقتصادی)»، آورده‌اند: فساد پدیده‌ای پیچیده، چند بعدی و دارای علل و آثار چندگانه است و دامنه آن از یک عمل فردی (مانند رشوه) تا یک سوء عمل فراگیر که تمام ارکان نظام سیاسی و اقتصادی را در برمی‌گیرد، گسترده است. مقاله، الگوریتم جدیدی برای سنجش فساد در ایران معرفی می‌کند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد روند شاخص فازی فساد ایران طی دوره (۵۳-۱۳۴۸) کاهش یافته و در فاصله سالهای ۵۸-۱۳۵۳ و همچنین از سال ۱۳۷۳ به بعد صعودی شده است.

دادگر و نظری (۱۳۸۸) در مقاله «بررسی شاخص فساد مالی در ایران و کشورهای برگزیده جهان» معتقدند فساد مالی در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، یک بیماری مزمن و از ویژگی دولت‌ها به شمار می‌آید. ج. ا. ایران از این نظر، دارای رتبه نامناسب و همچنین در بسیاری از کشورهای اسلامی و آفریقایی، فساد بیش از کشورهای پیشرفته است.

۲. ملاحظات نظری

گری بکر (Becker, 1968) اولین بار در مقاله معروفی تحت عنوان «اقتصاد جرم و مجازات، یک رهیافت اقتصادی» به مقوله اقتصاد جرم پرداخت. هدف اصلی وی پیشنهاد رهیافت‌هایی در جهت حداقل کردن زیان‌های اجتماعی و هزینه‌های جرم بود. مدل اصلی وی بر مبنای این فرض استوار است که: یک فرد مرتکب جرم خواهد شد اگر مطلوبیت انتظاری وی در ارتکاب جرم از مطلوبیتی که می‌تواند با استفاده از وقت و امکانات اش در سایر فعالیت‌ها به دست

آورد، بیشتر باشد. متغیرهای تصمیم اجتماعی از نظر وی، هزینه های جرم برای پلیس و دادگاه ها و نیز سطح (شدت) و نحوه مجازات می باشد که به تعیین احتمال اینکه اشخاص در چه شرایطی به ارتکاب جرم مبادرت می ورزند، کمک می کند. تغییر این عوامل، اگر منجر به افزایش هزینه انتظاری ناشی از جرایم شود، باعث کاهش آسیب ها می گردد. بکر این ارتباط بین تعداد جرایم و میزان بازدارندگی را در طرف «عرضه جرم» قرار می دهد. وی در تئوری بازدارندگی، احتمال محکومیت و شدت مجازات را به عنوان متغیرهای برونزای تابع عرضه جرم در نظر می گیرد. از نظر او، احتمال محکومیت بالا و نیز شدت مجازات، منجر به کاهش در مطلوبیت انتظاری ناشی از جرم می شود و لذا جرایم کمتری اتفاق می افتد.

ادبیات علمی در زمینه فساد نیز شاهد دو مکتب رقیب و متعارض زیر در خصوص اثرات فساد بر کارایی و اثربخشی نظام اداری و توسعه اقتصادی است:

مکتب کارآمدی: مکتب کارآمدی فساد، با تأکید بر ناکارآمدی قوانین و نهادها در کشورهای در حال توسعه، فساد را روشی برای غلبه بر ناکارآمدی قوانین و مقررات می داند. در دهه های اخیر، برخی از صاحب نظران به عللی که اکنون منسوخ شده، فساد مالی را تسهیل کننده و «دارای نقش روغن کاری» توسعه می دانستند و مدعی بودند که راهی مؤثر برای دور زدن مقررات مزاحم و دست و پاگیر غیر اثر بخش است و از طرفی، فساد، این امکان را به کسانی که وقت آنها با ارزش است می دهد بتوانند بالاترین رشوه ها را بدهند تا به نتایج ثمر بخش تری برسند (Lien, 1986 & Huntington, 1968). بنابراین، طرفداران مکتب کارآمدی، فساد را هزینه کسب و کار می دانند که منفعت آن بیش از هزینه آن می باشد. به هر روی، ادعاهای زیادی مبنی بر اینکه فساد اداری، پدیده ای کاملاً منفی نیست و با آثار مثبت نیز همراه است، وجود دارد!

مکتب ناکارآمدی: نتایج پژوهش های بسیار در سال های اخیر در زمینه اثرات فساد، استدلال های مکتب کارآمدی فساد را با چالش مواجه کرده و بیانگر این حقیقت است که فساد، حرکت به سمت توسعه را کند می کند (علی زاده ثانی و فانی، ۱۳۸۶).

رهیافت های دیگر تبیین فساد: در مهمترین مطالعات جامعه شناسی و سیاسی مربوط به فساد دو رهیافت اساسی در تبیین علل ظهور و تعمیق فساد ارایه شده است (هیوود، ۱۳۸۱): رهیافت اول، مربوط به نظریه کارکردگرایی ساختاری است که بیشتر به ساختارهای کلان جامعه و کیفیت کارکردهای آنها در بروز فساد می پردازد، و فساد افزایش یابنده را معلول عقب

ماندگی و عدم توسعه یافتگی نظام‌های سیاسی و اقتصادی می‌داند که بستر مناسبی را برای تخصیص لجام گسیخته منابع عمومی بنا به ملاحظات مشخص فراهم می‌کند. اساس فساد کلان بیش از آنکه یک مقوله اجتماعی و اقتصادی باشد، سیاسی است به پشتوانه قدرت سیاسی است که به وسیله مکانیسم‌های دموکراتیک رقابتی و نظارتی قابل کنترل نمی‌باشد. در هر جامعه‌ای که نهادهای نظارتی، احزاب سیاسی و نهادهای مدنی و صنفی قادر به نظارت و اثر گذاری بر تصمیم‌گیری‌های حکومت نباشند و نهادهای قضایی و اطلاعاتی نیز تحت نفوذ و کنترل قدرت سیاسی آیند، امکان تعمیق و پایداری مفاسد بیشتر است.

رهیافت دوم در سطح خرد و در قالب نظریه عقلانیت فردی مطرح شده است که معطوف به ویژگی‌های رفتاری و هنجاری کارگزاران حکومتی و غیر حکومتی مرتبط است. در این رویکرد فساد به عنوان نتیجه محاسبات عقلانی هزینه‌ها و سودهای کارگزاران حکومتی تلقی می‌شوند. در این مدل، افراد تصمیم‌گیر، موجوداتی عقلانی هستند که می‌کوشند منافع حداکثری خود را از منابع کمیاب تحقق بخشند.

برخی از محققان برای تبیین وضعیت فساد با یک تقسیم‌بندی دیگر، پنج رویکرد تبیینی را برای بررسی وضعیت فساد آرایه داده‌اند (ربیعی، ۱۳۸۳):

الف) رویکرد هزینه-فایده: در این رویکرد چنانچه افراد فایده یک اقدام را نسبت به هزینه آن بزرگتر ببینند، در جهت آن اقدام خواهند کرد و اگر مجازات‌ها با افراد فاسد ضعیف باشد، افراد اقدام به رفتار فساد آمیز می‌کنند.

ب) رویکرد محرومیت نسبی: اگر افراد نسبت به داشته‌های خود احساس بی‌عدالتی کنند، اقدام به رفتار فساد آمیز خواهند کرد. نابرابری اقتصادی، محرومیت‌های سیاسی و اجتماعی، خویشاوند سالاری و ... موجب بروز این رفتار می‌شود.

ج) رویکرد رانت جویی: امتیازات ویژه اقتصادی (رانت) که در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار می‌گیرد و قوانینی که با تصمیمات فردی زمینه را برای ایجاد بازار سیاه مجوزها فراهم می‌کند، موجب اعمال فساد آلود می‌شود.

د) رویکرد کارفرما- غیر کارگزار: زمانی که انجام کارهای کلان به افراد خاصی واگذار می‌شود، کارگزاران معمولاً بر خلاف اهداف کارفرمای دولتی، منافع خود را پیگیری و به این ترتیب زمینه را برای فساد مهیا می‌کنند.

ه) رویکرد حامی- پیرو: ساختار نامناسب اقتصادی، باندبازی در ساخت سیاسی، نوچه گرایی در انتصاب ها و گماردن پیروان در گلوگاه‌های تصمیم‌گیری با پشتوانه حامیان قدرتمند، زمینه‌های فساد را فراهم می‌سازد (با استفاده از: راغفر: ۱۳۸۲).

در دهه‌های اخیر شواهد زیادی نشان می‌دهد فساد، اثرات نامطلوبی را بر جای گذاشته (Theobald, 1990)؛ بی‌ثباتی و توسعه‌نیافتگی سیاسی را افزایش داده (Ouma, 1991) و تأثیری منفی بر سرمایه‌گذاری و رشد، عملکرد نظام اداری، خدمات عمومی و کارآیی و توسعه سیاسی دارد. با استمرار و دوام فساد، مشکلات اقتصادی و هدر رفتن منابع عمومی و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، افزایش، کارآیی دولت کاهش، تلاش‌ها برای اصلاحات اداری و مقیاس‌های حساسی با مشکل مواجه (United Nations, 1990) و افول شور کارآفرینی و باعث سوءاستفاده از منابع کمیاب، تضعیف توانایی‌های اداری و نهایتاً با تداوم آن، موجب فروپاشی سیاسی می‌گردد و ثبات، دموکراسی و انسجام ملی را از ریشه ویران می‌کند (Khan, 2010).

۴. ابزارهای فساد مالی و اقتصادی

مفاسد مالی و اقتصادی با استفاده از ابزارهای مختلفی صورت می‌گیرد که از آن جمله می‌توان به موارد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، قضایی و قانونگذاری زیر، بویژه در کشورهای در حال توسعه - و از جمله تا حدی ایران - اشاره نمود:

توسعه نیافتگی سیاسی: مطالعات تطبیقی تجارب کشورهای پیشرفته با کشورهای در حال توسعه، و فرایند توسعه یافتگی و نیز چگونگی تشکیل دولت های ملی و نقش نهادهای سیاسی در این جوامع، بر وجود رابطه بین دموکراسی و فساد تأکید دارد. تمایل به انتخاب مجدد برای سیاستمداران، محدود کننده فساد آنان است. حمایت از آزادی‌های مدنی و بی‌آنکه معمولاً همراه با دموکراسی هستند، باعث امکان ایجاد دولت شفاف و آزاد می‌شود. در مقابل حکومت‌های غیر دموکراتیک به دلیل اینکه حاکمان آنها دارای توان بالقوه‌ای برای تشکیل دولت های آینده هستند، بستری برای محرک‌های فساد می‌باشند. در کشورهای جهان سوم، قدرت سیاسی از دو جهت بر فساد تأثیر می‌گذارد: فقدان فرایند مردم سالاری هیچ زمینه‌ای برای کنترل دولت توسط نهادهای مدنی، احزاب و مطبوعات و رسانه‌ها را فراهم نمی‌سازد و در فقدان این نظارت، با آسودگی خیال برای نخبگان دولتی، فساد با سهولت بیشتر صورت می‌گیرد. همچنین دولتمردان در جهان سوم حضورشان در حاکمیت را موقتی تلقی می‌کنند و به کسب حداکثر امکانات می‌پردازند.

فقدان احزاب و فعالیت‌های سیاسی: در دنیای امروز، احزاب بخشی جدایی‌ناپذیر از حیات اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شوند. در کشورهای توسعه‌نیافته، رقابت برای تصاحب قدرت، کمتر در قالب فعالیت احزاب صورت گرفته و بیشتر همراه با حذف و برخوردهای نظامی یا خشونت صورت می‌گیرد. مطالعات درباره رابطه احزاب با فساد مالی نشان می‌دهد که با وجود احزاب مستقل و متنوع، فساد مالی کمتری رخ می‌دهد. از سوی دیگر، در این کشورها هزینه رقابت و فعالیت سیاسی بالا است و از رقابت سیاسی منظم و هدفمند جلوگیری می‌شود و با ایجاد وابستگی یا حذف، جامعه مدنی تضعیف و موجب می‌شود که شهروندان کمتر قادر به اثر گذاری بر دولت باشند و از طرف دیگر، توسعه درازمدت یک فرایند سیاسی رقابتی، پاسخگو و آزاد، نه تنها خود ارزشمند، که پدید آور فرصت‌ها و قدرت واقعی برای کشورها در جریان مبارزه با فساد مالی است.

نظام‌های سیاسی بسته: نوع نظام‌های سیاسی و ساختارهای آن، اشکال مختلف فساد را بروز می‌دهد و الگوهای رانت جویی خود را به وجود می‌آورد. در کشورهای بسته که نظام سیاسی آنها خاندانی است، معمولاً فسادهای سطح اول به صورت قانونی صورت می‌گیرد، در دولت‌های کودتایی، نظام‌های تک حزبی، جمهوری‌های اسمی نیز الگوهای خاصی از فساد جاری است. در این کشورها عموماً با فساد سطح دوم برخورد شده و فسادهای سطح اول در یک تقسیم بندی در حلقه‌های اولیه ساخت سیاسی صورت می‌گیرد. در هر دو الگو، خروج سرمایه توسط نخبگان سیاسی حلقه اول، امری متداول و در نظام‌های سیاسی در حال گذار، در هر دو سطح فساد در میان کارکنان و نخبگان جریان دارد. در این نظام‌ها که جریان مردم سالاری ضعیفی وجود دارد، نوع خاصی از فسادهای تعریف نشده و هرج و مرج گونه مشاهده می‌گردد.

عقب ماندگی فرهنگی: در برخی کشورها فساد به صورت یک هنجار عمومی، پذیرفته شده که در تعدادی از کشورهای در حال توسعه قابل مشاهده است. این فرایند به صورت تاریخی شکل گرفته و ریشه کنی آن نیز زمان بسیار می‌برد. جنسیت: برخی مطالعات، به نقش جنسیت توجه نموده و نتیجه گرفته اند که مردان فاسدتر از زنان هستند، و افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های کلان، موجب کاهش بروز و شیوع فساد می‌شود. با این وجود، تحقیقات نشان می‌دهد که در حالی که جنسیت بر فساد مؤثر است، اما دلیل فساد بیشتر به مکانیزم سازمانی مربوط می‌شود تا ویژگی‌های خاص جنسیتی.

حامی پروری: حامی پروری در مراکز حساس یا از طریق افراد قدرتمند در پست‌های سیاسی و مقامات ارشد صورت می‌گیرد و شبکه‌های قدرت اقتصادی اقدام به حمایت و رشد افراد مورد نظر در مدیریت‌های کلیدی می‌کنند.

توسعه نیافتگی: بین فساد و توسعه رابطه معکوسی برقرار است. گستره آموزش و روابط قانونی در کشور های کمتر توسعه یافته، با کاستی رو به رو است. باز بودن و عدم تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در توسعه یافته‌ها و تمرکز اقتصادی و گسترش بخش عمومی و دولتی و محدود بودن فضای اقتصاد خصوصی، از عوامل بروز فساد در کشورهای توسعه نیافته است.

قوانین مبهم و یک سوپه: شاید بتوان گفت که عمده‌ترین ابزار فساد مالی و اقتصادی، سوء استفاده از قوانین نامناسب موجود، عدم وجود قوانین و مقررات در پاره‌ای موارد، و روشن و شفاف نبودن بسیاری از قوانین و مقررات می‌باشد؛ مانند مقررات صدور مجوزهای مختلف، مقررات تعیین محدوده‌ها، و مقرراتی که ارزش اقتصادی زیادی بر آنها مترتب است و مقرراتی که بسیاری از هزینه‌ها و اعتبارات را از شمول قانون محاسبات عمومی خارج می‌سازد.

در این زمینه، در مقطعی در کشور شاهد بودیم که قوانین به صورتی تنظیم می‌شده که اصطلاحاً به آن گرد نویسی در قوانین گفته می‌شود. این شیوه در هنگام تدوین لایحه بودجه نیز به کار می‌رود.^۱

ضعف قانون از دو جنبه بر روند فساد تأثیر می‌گذارد:

ضعف قوانین مناسب در مبارزه علیه فساد: فقدان قانون منسجم ضد فساد به عنوان عاملی مؤثر در بروز و گسترش فساد عمل می‌کند. پس قوانین ناکارآمد در بخش‌های تجاری، مالی، بانکی، ثبت اسناد و سایر ابعاد اقتصادی، خود پناهگاهی برای افراد فاسد و بروز فساد مالی می‌شود. قوانین غیر شفاف متعدد، متناقض و ناهماهنگ منتهایی برای کارمندان عالی‌رتبه و نیز رده پایین و فرصت‌طلبان پدید می‌آورد و در نهایت، فساد مانند یک دژ محکم و تسخیر ناپذیر در ساختار دولتی بویژه در کشورهای در حال توسعه باقی می‌ماند.

قانون حقوق و دستمزدها: دستمزدهای پایین در ساختار اداری کشورهای در حال توسعه، از عوامل بروز و گسترش فساد مالی است. پایین بودن دریافت‌های کارکنان، وضعیتی را به وجود می‌آورد که در بهترین حالت کارمندان، بخش دولتی را به عنوان سکویی برای پرتاب فعالیت

۱. نقطه اوج این اتفاق را در دولت‌های نهم و دهم شاهد بودیم. بودجه‌های ارائه شده در این دو دولت، به شدت تأثیر به اصطلاح «گردنویسی» قرار دارند که قوانین مورد توجه قرار نمی‌گیرند. در بودجه‌های دولت نهم و دهم، ارقام و منابعی ارائه شده که فاقد ردیف و هزینه کرد مشخص است. یعنی منابعی در بودجه وجود داشته است که اختیار هزینه کرد آنها در اختیار دولت و شخص رییس دولت قرار داشته است (تاجگردون، ۱۳۹۲).

های آینده خود در بخش خصوصی تلقی کنند (ربیعی، ۱۳۸۳). از سوی دیگر، پایین بودن حقوق کارکنان، هزینه اخراج را در مواقع افشای فساد، پایین می‌آورد. همچنین جریمه‌هایی مانند قوانین راهنمایی و رانندگی، قوانین تراکم مربوط به شهرداری در ایران از جمله موارد فسادخیزاند.

دستگاه قضایی ناکارآمد: دستگاه قضایی از دو جهت تأثیر عمیق و پایدار بر فرایند فساد دارد: نخست کوتاهی این دستگاه در رسیدگی به تخلفات، و اعمال نفوذ در رسیدگی‌ها به پرونده افراد آلوده یا «نارسیدگی» در پرونده. در اکثر کشورهای در حال توسعه و گذار، فساد واکنشی به مشکلات اساسی در مدیریت دستگاه قضایی است. سه مشکل اصلی دستگاه قضایی این کشورها عبارتند از (راغفر، ۱۳۸۲): ماهیت اصلی قوانین، ضعف مدیریت دادگستری و ناتوانی دستگاه قضایی در کنترل دولت.

بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی: در نظام‌های بی‌ثبات، افرادی که قدرت را در مقطعی به دست می‌گیرند، چون ناپایدارند، اقدام به چپاول منابع اقتصادی می‌کنند. از سویی دیگر، فساد مالی و سیاسی، موجب ایجاد نگرش منفی و اعتراض آمیز در جامعه شده و این نظام‌ها را با فقدان مشروعیت رو به رو می‌سازد و بی‌ثباتی تشدید می‌گردد. همچنین در بی‌ثباتی اقتصادی نظام قیمت از کار می‌افتد و برای تخصیص منابع به تولید و مصرف کنندگان علامت نمی‌دهد و سودهای رانتی از اصطکاک بازار افزایش می‌یابد.

قراردادهای خرید و سرمایه‌گذاری دولتی: بسیاری از دستگاه‌های اجرایی مستقیماً با شرکت‌های خارجی و داخلی قراردادهای هنگفت خرید منعقد می‌کنند. قرارداد خرید کالاهای اساسی در حجم زیاد، نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها و تجهیزات آنها، تجهیزات صنعتی در شرکت‌های دولتی از این جمله هستند که کنترل و یا انعقاد آنها توسط مأموران دولتی می‌تواند به عنوان ابزاری برای ارتکاب فساد مورد سوء استفاده قرار بگیرد. از طرف دیگر، تشخیص و انتخاب پیمانکاران طرح‌های بزرگ مانند احداث جاده، فرودگاه، پل که از اختیارات کارگزاران دولتی است، می‌تواند به گونه‌ای صورت گیرد که به نفع پیمانکاران خاصی تمام شود و یا باعث سوق دادن اعتبارات به سوی بعضی مناطق خاص گردد. تأیید انجام کار و تحویل گرفتن کاری که در واقع خاتمه نیافته، همگی ابزارهایی است که می‌تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد.

توزیع امکانات، اعتبارات و مزایا: قیمتگذاری کالاهای، اعطای سوبسیدها به تولید و مواد اولیه و سوخت، وام‌های بانکی کم بهره برای موارد خاص، ارز خارجی با نرخ‌های ترجیحی، به برخی اشخاص حقیقی و حقوقی، می‌تواند زمینه فساد را ایجاد نماید. گزینش نیروی انسانی و ترفیع

رده و درجه که گاه به خرید و فروش مشاغل نیز منجر می شود، اختیار تخصیص مزایای ویژه به برخی اشخاص، مانند پرداخت های از کار افتادگی، بورس ها و کمکها و ارائه خدمات دولتی زیر قیمت معمول بنا به برخی ملاحظات شخصی، نیز از مصادیق فساد اند.

کارگزاران دولتی همواره با وسوسه های بسیار قوی برای سوء استفاده از قدرت مواجهند. گرایش مقامات دولتی به انجام اقداماتی که به نفع جامعه نیست، عملکرد اقتصادی دولت را مخدوش کرده، می تواند با اشکال تراشی ها، بهانه گیری ها، دلسرد کردن شرکت ها و افراد درستکار، اثرات نامطلوبی بر رشد و توسعه بر جای گذارد. نادیده گرفتن روح آیین نامه ها، آسیب های اجتماعی جدی برای جامعه به دنبال دارد. در بسیاری از کشورها در زمینه قوانین مالیاتی یا مجوزهای واردات یا صادرات کالاهای خاص، اختیارات گسترده ای برای مقامات در نظر گرفته شده است و آنها این قدرت انحصاری را در اختیار دارند که ضروری بودن یک سرمایه گذاری یا واردات یک فعالیت را تشخیص دهند و به عنوان یک منبع انحصاری برای اعطای چنین مجوزهایی عمل نمایند و تعدد قوانین و مقررات نیز اغلب زمینه مساعدی را برای بروز فساد فراهم می کند (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹).

هر قدر حوزه استفاده از این ابزارها در کشور وسیع تر باشد، احتمال بروز فساد نیز بیشتر خواهد بود. کنترل ابزارهای مذکور، به کارگزاران دولت زیادی می دهد که در صورت وجود جو اجتماعی مناسب و فقدان مجازات های متناسب، می توانند برای خود و وابستگان و آشنایان مزایای زیادی را کسب نمایند. در این صورت به اقتدار و نیز اعتبار دولت لطمه می خورد. در این حالت، شاهد نوعی خصوصی سازی قدرت دولت هستیم که قدرت دولت به جای انتقال به بازار، به مدیران دولتی می رسد و در نهایت، به عملکرد بازار نیز لطمه می زند و در طولانی مدت به شکست بازار^۱ منجر می شود.

سیاست های اقتصادی ناکارا: «اقتصاد بسته» و نیز سیاست های اقتصادی ناکارا در کشورهای در حال توسعه، «اقتصاد زیرزمینی» را رایج و این نوع اقتصادها به طور اجتناب ناپذیر با فساد مالی و سیاسی در هم تنیده می شوند. خصوصی سازی نیز اگر به درستی انجام شود، می تواند با خارج کردن دارایی های خاصی از کنترل دولت به انتخاب های مبتنی بر محرک های بازار توسط بخش خصوصی، از فساد بکاهد. اما ضعف حکومت مانع پیشرفت بخش خصوصی کارآمد و سالم و در نتیجه افزایش فساد می شود. خصوصی سازی یک روند برای خروج از بن بست تمرکزگرایی فسادآمیز است و می توان آن را به عنوان یک برنامه اصلاحی برای مقابله با فساد

1. Market failure

قلمداد کرد. لکن این روند اصلاح آمیز، خود وقتی به دست افراد فاسد صورت گیرد، به یک منبع بالقوه جدید برای ایجاد درآمدهای فاسد تبدیل خواهد شد. اگر چه خصوصی سازی در طیف وسیعی از موارد مفید است، اما اصلاحگران باید فرایندی را طی کنند که انگیزه‌های رانت خواری را کاهش دهد و باید گسترده‌ترین سطح مشارکت را، به جای جانبداری از ائتلاف‌هایی که پیوندهای قوی با نخبگان دارند برقرار کرده و شفاف باشد (راغفر، ۱۳۸۲).

۵. سطح، شدت و درجه‌بندی فساد

مطالعات نشان می‌دهد که فساد بیشتر در دو سطح صورت می‌گیرد (ربیعی، ۱۳۸۳): سطح کلان و سطح خرد. فساد در سطح کلان، بیشتر به نخبگان سیاسی و مقامات ارشد دولت‌ها مربوط می‌شود (فساد یقه‌سفیدان). سطح خرد فساد عبارت است از مبادلات فاسدی که در سطح کارمندان رده‌پایین و در ارتباط مستقیم با ارباب رجوع صورت می‌گیرد (فساد یقه‌آبی‌ها). نقش عوامل سیاسی و کلان در ایجاد فساد، بسیار مهم است. بسیاری بر این باورند که فساد، بیشتر در دستگاه دولت، هم در سطح کلان (بین مسؤولان عالی‌رتبه) و هم در سطح خرد (بین کارمندان رده‌های پایین) اتفاق می‌افتد. فساد رده‌های میانی و پایین، تا حد زیادی به میزان فساد در بین رده‌های بالای نظام، یعنی مقامات بستگی دارد. وقتی بخشی از هیأت حاکمه فاسد باشد، برای دستیابی به درآمدهای فاسد، از یک سو به کمک مدیران میانی نیازمند است و از سوی دیگر، ناچار است نهادهای حسابرسی و نظارتی، مانند مطبوعات، دستگاه‌های قضایی و سازمان‌های بازرسی را تضعیف (نصرتی، ۱۳۷۷) و یا فاسد کند. در یک محیط سیاسی فاسد، کارمندان رده‌های میانی که مرتکب فساد اداری می‌شوند، کمتر نگران کشف جرم و تنبیه‌اند؛ چون غالباً میان مسؤولان رده‌بالا و مدیران میانی، نوعی تباری ایجاد می‌شود؛ که مبارزه با فساد را سخت می‌کند. بر این اساس، گلوگاه فساد، فساد اداری در سطح مسؤولان عالی‌رتبه است (حسنی و همکار، ۱۳۹۱).

همچنین امروزه در سطح بین‌المللی ابزارهایی برای اندازه‌گیری فساد در کشورهای مختلف وجود دارد. مراجعی مانند سازمان شفافیت بین‌الملل^۱ و مؤسسه مشاوره ریسک اقتصادی آدر زمینه مبارزه با فساد به کشورهای داوطلب کمک می‌کنند. سازمان شفافیت بین‌الملل (TI) هر سال با ارائه گزارشی، کشورهای مختلف را با محاسبه شاخص فساد مربوط به

1. International Transparency
2. Consultancy Economic Risk

آنها امتیازبندی می‌کند. شاخص اندازه‌گیری فساد (CPS) که رتبه کشورها را از نظر فساد مشخص می‌کند، بین دو عدد صفر (حداکثر فساد) و ۱۰ (حداقل فساد) قرار دارد.^۱ به عنوان مثال در رتبه بندی فساد در کشورهای مختلف جهان در سال ۲۰۰۸، کشور دانمارک با کسب امتیاز ۹/۳، پاک‌ترین کشور در جمع ۱۸۰ کشور جهان بوده و در رأس کشورهای قرار گرفته است که در آنها رشوه دریافت نمی‌شود. در همین سال کشورهای فقیر و در حال توسعه جهان در پایین جدول قرار گرفته‌اند و بیشترین درجه فساد را داشته‌اند. بر اساس گزارش سازمان (TI)، ایتالیا که در سال ۱۹۹۵ از امتیاز ناچیزی (۲/۹۹) برخوردار بود، با اجرای اصلاحات اساسی در دستگاه دولتی به امتیاز ۴/۸ و کسب رتبه ۵۵ در سال ۲۰۰۸ دست یافته است. امروزه بسیاری از رهبران کشورهای جهان سیاست‌هایی برای مبارزه علیه فساد در دستور کار خود قرار داده‌اند.

۶. انواع فساد مالی

به طور کلی مفاسد مالی و اقتصادی شامل مفاسد عمده زیر می‌باشد:

رشوه: رشوه، عبارت است از رد و بدل شدن پول یا دیگر مصادیق ثروت در مقابل هرگونه سوء استفاده از اختیارات قانونی و دولتی در همه زمینه‌ها (اکبری، ۱۳۷۶). زشتی رشوه آن قدر است که حتی طرفین رشوه، مایل نیستند این کلمه را به کار برند و از آن در پوشش عناوینی مثل هدیه، ناقابل، شیرینی، حق الزحمه، انعام، پول چایی، زیرمیزی و ... استفاده می‌کنند.

پرداخت رشوه معمولاً به منظور دستیابی به اهدافی از قبیل تسهیل در اجرای قوانین، تسریع در انجام امور قانونی، فرار از قانون، دسترسی غیرقانونی به منابع درآمد و جعل اسناد و مدارک صورت می‌گیرد. زمینه‌های کاربرد رشوه عبارتند از: ۱- مناقصه؛ ۲- مزایده؛ ۳- خریدهای دولتی؛ ۴- تسریع در انجام امور قانونی؛ ۵- پرداخت به دولت؛ ۶- سندسازی؛ ۷- کسب امتیازات؛ ۸- امور بانکی؛ ۹- امور قضایی؛ ۱۰- سایر موارد.

در واقع پدیده رشوه یکی از مصادیق بارز تجاوز به حقوق مردم و پایمال شدن حقوق محرومان به وسیله اغنیاء و قدرتمندان می‌باشد. گسترش رشوه‌خواری در جامعه موجب نابودی اصول اخلاقی و ارزش‌های حاکم بر جامعه و تغییر نگرش افراد و سازمان‌ها به وظایف خود و رواج بی‌اعتمادی و بی‌تفاوتی و عدم دلسوزی و کم‌کاری می‌شود و در غیاب افراد سالم، رشد و

۱. لویس کوریو، پل، فساد و اخلاق، ترجمان اقتصادی، شماره ۴۹.

توسعه را مختل می‌سازد. رشوه اخلاق اجتماعی را ویران می‌سازد و اصول و ضوابط و مقررات را در هم می‌ریزد.

به طور کلی، انگیزه‌ها و عواملی که موجب شیوع و گسترش رشوه‌خواری در جامعه می‌شود عبارتند از: الف) تبعیض و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی؛ ب) ضعف اعتقادات دینی؛ ج) عدم پایبندی به قانون.

رشوه و رشوه‌خواری یکی از رایج‌ترین و گسترده‌ترین انواع مفاسد مالی و اقتصادی است که در سطح بین‌المللی به شدت رواج دارد و علاوه بر وارد نمودن زیان‌های شدید بر اقتصادهای ملی، اقتصاد و تجارت بین‌المللی را نیز در معرض خطر جدی قرار داده، به طوری که در حال حاضر سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، رشوه را از مهمترین مخاطرات و موانع جدی اعتماد بین‌المللی در مبادلات می‌دانند. قرارداد OECD در مورد مبارزه بر علیه رشوه‌خواری در سال ۱۹۹۹ به مرحله اجرا درآمد. حداقل مقدار شاخص پرداخت رشوه صفر (بدترین وضعیت) و حداکثر آن ۱۰ (بهترین وضعیت) است.

اختلاس^۱: اختلاس، ربودن منابع توسط افرادی که به آن دسترسی دارند. و به عبارت دیگر، کارگزاران بخش عمومی، از نهادی که در آن استخدام شده‌اند و از منابعی که باید در راستای منافع عمومی از آنها استفاده کنند، اقدام به برداشت نمایند.

اختلاس به عنوان یکی از مصادیق بارز فساد مالی و اقتصادی از نظر لغوی به معنای ربودن، دستبرد زدن و دست‌اندازی به مال دیگران می‌باشد و از نظر حقوقی به شکل خاصی از تصرف و دست‌اندازی بر مال دیگران اطلاق می‌شود و عبارت است از اینکه با استفاده از غفلت و عدم توجه کسی در فرصت مناسب چیزی را بردارند (سمیعی، ۱۳۴۸).

اختلاس، در تعریفی گسترده‌تر از فساد اداری می‌گنجد. اختلاس، دزدی قلمداد می‌شود؛ زیرا در آن، طرف شهروند وجود ندارد و دارایی شخصی سرقت نمی‌شود اما منافع عمومی به خطر می‌افتد (حسینی و همکار، ۱۳۹۱).

۷. سایر مفاسد مالی

آشنابازی: آشنابازی، رویه‌ای است که به موجب آن یک مأمور دولت، خویشاوندان را به خدمات دولتی منصوب می‌کند و آنها را در لیست حقوق بگیران دولتی قرار می‌دهد و یا آنها را از امتیازات

1. Embezzlement
2. Nepotism

دیگری برخوردار می‌سازد تا بر حیثیت یا درآمد خانوادگی بیافزاید و یا به جای توسعه رفاه عمومی به ساختن یک ماشین سیاسی یاری رساند (گولد و همکار، ۱۳۷۶).

پارتی‌بازی، نوعی از سوءاستفاده از قدرت است که امتیازی به افراد همسود داده شود و بویژه در فرایند خصوصی‌سازی ها و توزیع جانبدارانه منابع دولتی اعمال می‌شود. پارتی‌بازی، تمایل طبیعی انسان به جانب‌داری از دوستان، خویشاوندان و دیگر افراد نزدیک و مورد اعتماد است. این پدیده، تا جایی که توزیع فسادآمیز منابع را به نمایش می‌گذارد، رابطه‌ای نزدیک با فساد اداری دارد. به عبارت دیگر، پارتی‌بازی روی دیگر آشنا بازی و فساد اداری است.

مأمورانی که به منابع دولتی و توزیع این منابع دسترسی دارند، تمایل شدیدی به پارتی‌بازی دارند تا امتیازاتی را به افرادی خاص ببخشند. در بسیاری از کشورهای استبدادی و نیمه‌دموکراتیک، پارتی‌بازی یکی از مکانیسم‌های سیاسی اساسی به‌شمار می‌آید. در بسیاری از نظام‌های غیردموکراتیک، رئیس‌جمهور از قدرت بی، و یا کم نظارت در نصب مقام‌های رده‌بالا برخوردار است که، به‌صورتی گسترده زمینه را برای پارتی‌بازی فراهم می‌سازد (با استفاده از: حسنی و همکار، ۱۳۹۱).

خویشاوند سالاری شکل ویژه‌ای از پارتی‌بازی است که طی آن، مدیر، اقوام خود را - بدون دلیل - بر دیگران ترجیح می‌دهد. بسیاری از رؤسای خودمختار می‌کوشند از طریق قرار دادن اعضای خانواده خود در پست‌های کلیدی سیاسی، اقتصادی و امنیتی، اقتدار خود را تثبیت کنند.

رقابت ناسالم یا فریب کارانه: بعضی از اشخاص و بنگاه‌ها منافع خود را در بی‌نظمی جستجو می‌کنند، زیرا در محیطی منظم و در رقابتی سالم، شانس مقاومت در برابر تولیدکنندگان کارآمد را ندارند. و تنها در مقطعی کوتاه و تا زمانی که اعمال خلاف شان آشکار نشده، می‌توانند با اقدامات غیراخلاقی و متقلبانه خود، در رقابتی ناسالم، در مواقعی باعث ورشکستگی رقیبان درستکار شوند. در حقوق تجارت این نوع رقابت ناسالم، رقابت مکارانه و طبق قانون، ممنوع است.

تولید و توزیع کالاهای معیوب و مضر: مسؤولیت تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان کالاهای معیوب و مضر، یکی از مباحث مهم حقوق تجارت ملی و بین‌المللی در کشورهای پیشرفته صنعتی می‌باشد و این کشورها به موازات توسعه طی فرایند توسعه، با تدوین قوانین و مقررات مناسب، روابط اشخاص در جامعه را با تحولات جدید تنظیم نموده و هماهنگی لازم

بین بخشهای مختلف را برقرار کرده؛ به طوری که تولید و توزیع کنندگان کالاهای معیوب و مضر، دارای مسؤولیت مدنی و کیفری می‌باشند.

سوء استفاده و کلاهبرداری: انتقال منابع به اشخاص، بدون ظاهر شدن در حساب‌های رسمی یا سر فصل‌ها که در غالب موارد این دو با هم همراه و تفاوت مقررات کشورها و محرمانه بودن حساب‌های بانکی افراد این فرایند را آسان‌تر کرده است. حق السکوت^۱: نوعی باجگیری است که از شخص حقیقی یا حقوقی و یا بعضاً دولتی اخذ می‌گردد.

۸. آثار و پیامدهای فساد مالی

شیوع مفسد مالی در کشور می‌تواند عوارض و پیامدهای اقتصادی بسیاری را به همراه داشته باشد؛ از جمله:

الف) آثار منفی فساد مالی بر تخصیص صحیح منابع: فساد مالی، کار تعقیب اصل تخصیص تهیه منابع به وسیله دولت را فلج می‌کند و اولویت‌های اساسی در طرح‌های ملی را به دست فراموشی می‌سپارد و فعالیت‌هایی اولویت می‌یابند که با منافع نامشروع متصدیان فاسد سازگاری داشته باشند. در این جا است که افراد به سمت فعالیت‌های نادرست می‌روند و تلاش در جهت دستیابی به درآمدهای فوری و سهل الوصول، به جای شکوفا شدن توانایی‌ها و استعدادها صورت می‌گیرد.

ب) آثار منفی فساد مالی بر توزیع صحیح درآمدها: این اثر از طریق کاهش درآمدهای دولتی پدید می‌آید و این کاهش توانایی، باعث می‌شود دولت در اجرای طرح‌های عمرانی، اساسی و زیربنایی و نیز پیشبرد برنامه‌های رشد و توسعه ناتوان شود. الگوی نادرست درآمدها باعث رواج نابرابری‌ها و اختلاف‌های شدید طبقاتی می‌شود و در بلندمدت از تحقق کامل عدالت اجتماعی جلوگیری خواهد کرد. در این جا است که اقشار ضعیف و کم‌درآمد، از مزایایی رفاه اجتماعی کم‌ترین بهره را خواهند داشت؛ در توزیع درآمدها جایگاهی ندارند و سرمایه‌گذاری‌های دولتی به نفع این گروه نخواهد بود.

ج) آثار منفی فساد مالی بر کارایی اقتصادی: فساد بیش‌تر، کارایی فعالیت‌های اقتصادی را از طریق توجه به اعمال فاسد می‌کاهد و کاهش کارایی، به فساد بیش‌تر خواهد انجامید و بین

1. Hush - money

کاهش کارایی و افزایش فساد مالی دور باطلی ایجاد می شود که نتیجه آن، حاکمیت گسترده فساد و عوارض ناشی از آن و شکل گیری انگیزه های فاسد است.

د) تأثیر فساد بر سرمایه گذاری: فساد، در میان مدت، سرمایه گذاری های عمومی را کاهش داده و عمده سرمایه های موجود در جامعه را به سمت بخش های فاقد بهره وری که زمینه اختلاس، پول های بادآورده و فرار از پیچ و خم های ناشی از اعمال فساد در آنها بیشتر به دست می آید، سوق می دهد. عدم سرمایه گذاری در بخش های مولد، کاهش کارآمد بودن سیاست های صنعتی و ترغیب فعالیت های اقتصادی در بخش غیر رسمی به منظور نقض مالیات و قوانین نظم بخش از جمله دیگر پیامدهای فساد بر سرمایه گذاری ها است. تأثیر فساد صرفاً بر سرمایه گذاران داخلی محدود نمی شود. سرمایه گذاران خارجی که با کارمندان ذی ربط در ارتباط هستند معمولاً دچار سردرگمی بوده و هر آن مترصد به هم خوردن قراردادهای زد و بندهایی که هزینه های زیادی بر آنها تحمیل خواهد کرد، هستند. روند تشدید کننده دیگر، خروج سرمایه های به دست آمده ناشی از فساد، توسط نخبگان به خارج از کشور و خارج کردن آنها از چرخه تولید و سرمایه گذاری است. کارمندان سطوح پایین تر نیز درآمدهای ناشی از فساد را بیشتر صرف تقاضاهای کاذب خود خواهند کرد تا پس انداز.

ه) آثار منفی فساد مالی بر رشد اقتصادی: تأثیر منفی عمیق فساد مالی، بر روی رشد اقتصادی و در نتیجه توسعه خواهد بود. کاهش کارایی اقتصادی، تخصیص نادرست منابع و توزیع نامناسب درآمدها به همراه کاهش انگیزه های سرمایه گذاری در بلند مدت، بر روی رشد اقتصادی کشور اثر منفی خواهد گذاشت (لیت و وایدمن، ۱۹۹۹).

در مجموع می توان گفت که پیامدهای اقتصادی شیوع فساد مالی در کشور ما می تواند شامل ضد رشد و توسعه بودن مفسد مالی، ایجاد و گسترش فقر و آثار و پیامدهای آن و نیز تغییر فرهنگ اقتصادی شود (hawzah.net).

۹. وضعیت کشورهای جهان و ایران از نظر فساد

مفسد مالی، جرایم جدیدی نیستند و قدمتی به اندازه دولت ها دارند. پدیده فساد مالی، عارضه ای است که کم و بیش در کلیه جوامع وجود دارد و با درجه های گوناگونی، طی سال های گذشته، همه کشورها را - کم و زیاد - در بر گرفته است. تحقیقات بسیاری درباره رتبه بندی کشورهای جهان در زمینه شیوع پدیده فساد مالی صورت می گیرد. اطلاعات این رتبه بندی بر درک تاجران خارجی است و اصلاً نمی تواند دلیلی بر میزان و شدت معضل فساد مالی خیلی

دقیق در داخل کشورها باشد. رتبه برخی از کشورها که در سال ۲۰۰۰ میلادی از سوی «سازمان شفافیت بین المللی» (۳) منتشر شده است، نام ایران دیده نمی‌شود؛ اما در رتبه بندی دیگری که سازمان شفافیت بین المللی در اوایل دهه ۱۹۸۰ ارائه کرده، نمره ایران ۳/۲۵ محاسبه شده که جایگاه خوبی نداشته است (با استفاده از: دادگر).

بانک جهانی نیز میزان فساد و ارتشا را در جهان گزارش می‌کند و گزارش‌ها نشان می‌دهد که کشورهای ضعیف و جهان سومی و کشورهایی که متمرکز هستند، درجه بالاتری از میزان فساد مالی را دارند و کشورهای توسعه یافته، کمتر به آن دچارند و زمینه فساد در آنها، کمتر فراهم است. تلاش کنونی جامعه جهانی در مبارزه با فساد، نامتوازن است و نوک تیز آن، متوجه مقام‌های دولتی در نظام‌های فاسد کشورهای عقب مانده است؛ در حالی که منشأ بخش اعظم فعالیت‌های فسادآلود در تجارت بین الملل، در کشورهای صنعتی قرار دارد که بیش از کشورهای دیگر، ندای مبارزه با مفاسد را سر داده‌اند^۱ (فوگل، ۱۳۷۷). عدم توازن در امر مبارزه همگانی با فساد مالی در سطح جهانی، به ضرر همه کشورها خواهد بود.

رتبه ایران با روند نزولی در فهرست ۲۰ درصد کشورهای فاسد جهان: در گزارش سازمان شفافیت بین الملل، سومالی، کره شمالی و افغانستان (با ۸ امتیاز از ۱۰۰) فاسدترین کشورهای جهان بین ۱۷۷ کشور در سال ۲۰۱۳ شناخته شدند. کشورهایی که بدترین عملکرد را در این زمینه دارند، کشورهایی هستند که درگیر جنگ بوده‌اند. در این شاخص ایران با ۲۵ امتیاز در رتبه ۱۴۴، در حالی که در میان کشورهای همسایه، ترکیه با ۵۰ امتیاز در رتبه ۵۳، قرار داشته است.

در مقابل دانمارک و نیوزیلند هر یک با ۹۱ امتیاز و پس از آنها فنلاند و سوئد با ۸۹ امتیاز، کشورهایی بودند که حداقل فساد را داشتند. همچنین نروژ و سنگاپور با ۸۶ امتیاز در رتبه پنجم و پس از آنها سوئیس، هلند، استرالیا، کانادا، لوکزامبورگ، آلمان، ایسلند، انگلیس و باربادوس قرار گرفتند. در سطح منطقه ای اروپای شرقی و آسیای مرکزی (۹۵ درصد فساد) بدترین رتبه را داشتند و اروپای غربی و اتحادیه اروپا (۲۳ درصد فساد) بهترین رتبه را به دست آوردند. میزان فساد در خاورمیانه و شمال آفریقا نیز ۸۴ درصد عنوان شد.

امتیاز ایران در شاخص ادراک فساد در سال گذشته میلادی (سال ۲۰۱۲)، معادل ۲۸ گزارش شده بود که جایگاه ۱۳۳ را در بین کشورهای مورد بررسی نصیب ایران کرده بود. گزارش

۱. کشورهای پناهگاه آلودگی نیز قابل توجه است که به دلیل مقررات سخت کنترل آلودگی در کشورهای پشرفته صنعتی، باعث شده است تا صنایع آلوده ساز به کشورهای درحال توسعه منتقل گردد.

جدید نشان می دهد، نمره ایران در شاخص ادراک فساد در سال جاری، به میزان سه واحد کمتر شده (از ۲۸ به ۲۵) رسیده و به این ترتیب، جایگاه ایران نیز در این رتبه بندی، با ۱۱ پله نزول از ۱۳۳ به ۱۴۴ تغییر یافته است. موضوعی که نشان دهنده بدتر شدن وضعیت ایران در زمینه فساد اداری، از نگاه این نهاد ناظر بین المللی است. همچنین با توجه به اینکه ایران به طور مشترک با پنج کشور دیگر در جایگاه ۱۴۴ قرار گرفته، می توان گفت تنها ۲۸ کشور جهان در زمینه فساد اداری وضعیتی بدتر از ایران دارند.

بررسی گزارش های پیشین این نهاد در خصوص وضعیت فساد در کشورها نشان می دهد در ۱۰ سال گذشته، به طور نسبی جایگاه ایران به طور تدریجی نزول بیشتری در این رتبه بندی یافته است. سازمان شفافیت بین الملل از سال ۱۹۹۵ گزارش های سالانه خود را در زمینه وضعیت «ادراک فساد» در کشورها تهیه و منتشر می کند، اما ایران از سال ۲۰۰۳ وارد گزارش های این سازمان شده است. در سال ۲۰۰۳ (معادل ۱۳۸۲)، ایران در بین ۱۳۳ کشور مورد بررسی، با نمره ۳/۱۰ از ۱۰، جایگاه ۷۸ را داشت. این جایگاه بهترین رتبه ایران از آن زمان به بعد بوده و در ۱۰ سال بعدی، هیچگاه نمره ایران معادل ۳/۱۰ یا بالاتر از آن نبوده است. از نظر سازمان بین المللی شفافیت، شاخص فساد ایران در سال ۲۰۰۳ امتیاز ۳ داشته^۱ که در سالهای بعد به ترتیب ۳، ۲/۹، ۲/۷، ۲/۵ و ۲/۳ بوده که نشان می دهد در سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ فساد افزایش یافته و جایگاه کشورمان از نظر این شاخص در سال ۲۰۰۷ به ترتیب رتبه ۱۳۱ جهانی و ۱۳ منطقه ای و در سال ۲۰۰۸ به ترتیب رتبه ۱۴۱ جهانی (بین ۱۶۶ کشور) و ۱۶ منطقه ای (بین ۲۳ کشور) را داشته است.

بدترین جایگاه ایران نیز در این سالها مربوط به سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) بوده که در این سال، رتبه ایران در سال های گذشته از لحاظ این شاخص، بدتر شده است. در جدول زیر ۵ کشور برتر و ۵ کشور از بدترین کشورها و رتبه ایران و سه کشور هم رتبه ایران ملاحظه می گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. گزارشات سازمان بین المللی شفافیت، سالهای مختلف، به نشانی: www.transparency.org؛ توضیح اینکه امتیازدهی آن سازمان از صفر (بدترین) تا ۱۰۰ (بهترین) بوده است.

جدول ۵. کشور برتر و ۵ کشور از بدترین کشورها و رتبه ایران و سه کشور هم رتبه ایران

	Country Rank	Country / Territory	Region	CPI 2013 Score	Standard Error	90% Confidence interval		Scores range	
						Lower	Upper	MIN	MAX
1	1	Denmark	EU	91	2.2	87	95	83	98
2	1	New Zealand	AP	91	2.3	87	95	83	98
3	3	Finland	EU	89	1.7	86	92	83	98
4	3	Sweden	EU	89	2.3	85	93	83	98
5	5	Norway	EU	86	2.3	82	90	80	98
150	144	Iran	ME	25	3.9	19	31	15	41
151	144	Nigeria	AF	25	3.1	20	30	14	40
152	144	Papua New Guinea	AP	25	4.2	18	32	11	35
153	144	Ukraine	EE	25	1.7	22	28	18	32
154	150	Guinea	AF	24	3.6	18	30	12	40
177	173	South Sudan	AF	14	1.6	11	17	12	17
178	174	Sudan	ME	11	3.5	5	17	0	21
179	175	Afghanistan	AP	8	3.3	3	13	1	12
180	175	Korea (North)	AP	8	3.4	2	14	1	12
181	175	Somalia	AF	8	1.9	5	11	5	12

International Transparency, 2013

۱۰. ریشه‌ها و انگیزه‌های فساد مالی و اقتصادی با تأکید بر ایران^۱

ریشه فساد مالی، در فساد دولتی نهفته است که خود ناشی از دولت‌های بزرگ با قدرت زیاد برای توزیع منابع بین گروه‌های مختلف می‌باشد. با پایان جنگ جهانی دوم، بسیاری از کشورهای جهان سوم موفق به کسب استقلال سیاسی شدند، اما کشورهای توسعه یافته که دیگر توان حضور در این کشورها را نداشتند، کوشیدند تا با ترویج فساد و رشوه‌خواری و به قدرت رساندن حکام وابسته به خود در این کشورها، از موقعیت به نفع خود بهره‌برداری کنند و

۱. موسسه تحقیقات تدبیراقتصاد، فساد مالی و اقتصادی، ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله، ج ۲، صص ۳۰-۱۵.

به این ترتیب، مشتریانی مطیع را به خدمت بگیرند. در سالهای اخیر این شیوه سنتی برقراری ارتباط با توجه به سابقه طولانی فساد مالی در کشورهای در حال توسعه، حیات سیاسی و اقتصادی را، هم در کشورهای توسعه یافته و هم، در کشورهای در حال توسعه به خطر انداخته است.

در کشورهای در حال گذار اقتصادی (از اقتصاد دستوری به بازار آزاد) فرصت های بی شماری برای دستیابی به ثروت های بادآورده (رانت های مختلف) ایجاد شده و شبکه های فساد سازمان یافته سابق، جای خود را به شبکه های فساد آشفته داده است. با تفویض اختیار تخصیص و تفسیر این منابع به مقامات و مأموران دولتی، بازار فساد و رشوه رونق می یابد. اگرچه فساد مالی در بسیاری از کشورهای پیشرفته نیز وجود دارد، اما در بعضی از کشورهای در حال توسعه که ساختارهای سست دارند به مراتب زیانبارتر است. زیرا اثرات مخربی بر حقوق مالکیت، قوانین و انگیزه های سرمایه گذاری دارد.

فساد مالی در کشور، در زمان های گذشته به شدت شیوع داشته و بویژه پادشاهان به آن آلوده بودند و پست ها با رشوه های کلان خرید و فروش می شد (ر. ک: دادگر). مفاسد مالی در زمان پهلوی ها نیز به شدت رواج داشت، به طوری که به صورت مسأله ای ملی موضوعیت یافته بود و در آن زمان، دولت با فساد در حال همزیستی به سر می برد (نجاتی، ۱۳۷۷).

با پیروزی انقلاب اسلامی، فساد مالی خود به خود به حداقل رسید؛ چرا که عاملان آن مجال جولان نیافتند؛ ولی متأسفانه رفته رفته ارزش های اوایل انقلاب کمرنگ تر شد و ما امروزه نمونه هایی از مصادیق فساد مالی را در کشور می بینیم (دادگر، در دست چاپ: فصل اول). آنچه امروزه تحت عناوین، محاکمه مفسدان مالی در بخش های دولتی و غیر دولتی در کشور به گوش می رسد، می تواند به عزم ملی خدشه وارد کند و از اعتماد عمومی بکاهد.

به هر حال، وجود و گسترش فساد مالی، حتی در حجم کوچک، برای کشور اسلامی ایران قابل توجه نیست و نمی توان حدی از آن را برای کشور تجویز کرد (hawzah.net).

مطالعات انجام شده در ایران و اخبار روزمره رسانه ها، حاکی از شیوع وسیع و گسترده این بیماری می باشد. براساس نتایج تحقیقات انجام شده توسط سازمان مدیریت صنعتی در مورد موانع سرمایه گذاری بخش خصوصی در ایران، مهمترین موانع در این مورد، وجود رشوه در نظام اداری، مبهم بودن حقوق مالکیت و نظام حقوقی ناکارآمد تشخیص داده شده است. براساس این مطالعه، در میان ۵۴ کشور مورد بررسی جهان، وجود رشوه در دستگاه های دولتی ایران (با رتبه ۱/۶۴ از ۷) شدیدتر و بیشتر از سایر کشورها بوده است. در این مقایسه، امتیاز

یک نشان‌دهنده مانع شدید و امتیاز ۷ بیانگر نبودن مانع می‌باشد. در حال حاضر کشور ما با اختلاس در نظام اداری و مالی خود مواجه است که در تمامی بخش‌ها نیز گسترده شده است. در ایران نیز فساد مالی و اقتصادی در تمامی اشکال آن از جمله رشوه‌خواری، اختلاس، احتکار، اخاذی، قاچاق، آشنا (پارتی) بازی و گروه‌بازی از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. امروزه مفاسد مالی و اقتصادی در اعماق وجود اکثر سازمان‌ها، نهادها، بنیادها، ادارات، وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها، بانک‌ها، مؤسسات خیریه و امور عام المنفعه و تعاونی‌ها ریشه دوانده است. مباحثی مانند اختلاس و حیف و میل اموال عمومی و بیت‌المال، غارت ثروت‌های ملی و جا به جا کردن آنها، رواج رشوه‌خواری و پارتی‌بازی، سلطه قاچاق سازمان یافته بر سرنوشت اقتصاد کشور، انبوه خریدهای خارجی توسط سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و عمومی به جای استفاده از امکانات داخلی، با انگیزه گرفتن پورسانت‌های کلان، واگذاری‌های مشکوک، ایجاد شرکت‌های خصوصی توسط مدیران دولتی و سرازیر کردن امکانات و وجوه دولتی به این شرکت‌ها، سفرهای خارجی بی‌ثمر و پرهزینه، دادن مجوزها به آشنایان و زندگی‌های تجملی-برخی مسؤولان، به بحث‌های عادی مردم تبدیل شده است.

زمینه‌های اجتماعی فساد: بروز و گسترش مفاسد مالی در هر جامعه مستلزم فراهم بودن برخی زمینه‌های اجتماعی است و هرگونه ریشه‌یابی علل آن، بدون در نظر گرفتن بسترهای اجتماعی که فساد در آنها رخ می‌دهد، گمراه‌کننده است. به عنوان مثال اگرچه فقر یکی از عوامل مؤثر بر بروز فساد است، اما در هر جامعه در هر شرایطی فقر باعث بروز فساد نمی‌شود. اما در صورت وجود نابرابری در جامعه حتی وقتی که وضع همه اقشار رو به بهبود است، زمانی که افراد خود را با دیگران مقایسه می‌کنند، احساس محرومیت نسبی به آنها دست می‌دهد که نقش مهمی در بروز فساد بویژه در ثروتمندان دارد.

بروز رانت‌خواری، انحصارطلبی و در پی آن مفاسد مالی و اقتصادی بویژه در سطح مدیران و افراد قدرتمند جامعه، یکی از جدی‌ترین معضلات کنونی کشور می‌باشد که عده‌ای از افراد از طریق آن به ثروت‌های کلان و درآمدهای بادآورده‌ای دست یافته‌اند. یک ساختار ناسالم اقتصادی مبتنی بر رانت به بعضی از افراد سودجو و فرصت‌طلب این امکان را می‌دهد که با بهره‌گیری از روابط خاص و سوء استفاده از قدرت و موقعیت خود و وابستگان صاحب نفوذشان به بهره‌برداری از امکانات و امتیازات اقتصادی، اجتماعی، اطلاعاتی و رفاهی جامعه بپردازند. به جرأت می‌توان ادعا نمود که تمامی انواع ممکن این رانت در کشور ما رواج و به تبع آن انواع

روش‌های رانت‌جویی و گروه‌های مختلفی از رانت‌خواران در جامعه وجود دارد. البته در بسیاری از موارد نیز رانتهای سیاسی و اجتماعی با رانتهای اقتصادی، علت و معلول یکدیگرند. تحلیل عاملی اکتشافی: در تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که پنج گروه عوامل تأثیرگذار بر فساد مالی عبارتند از: ۱- قانون‌گریزی مدیران؛ ۲- عدم پاسخ‌گویی و نظارت ضعیف؛ ۳- ضعف سیستم ارزیابی عملکرد؛ ۴- بوروکراسی زائد بخش دولتی؛ و ۵- ناکارآمدی سیستم نگهداری. این عوامل در مجموع ۵۵/۶۷ درصد از تغییر پذیری در متغیر فساد مالی در میان کارکنان بخش دولتی ایران را تبیین می‌کنند که در نوع خود مدل مطلوبی در تبیین شکل‌گیری و گسترش پدیده‌ی فساد مالی در میان کارکنان دولتی محسوب می‌شود (ره‌نورد و همکاران، ۱۳۸۹).

نقش مسلط دولت در اقتصاد: بیشتر رانت‌ها در کشور، نتیجه نقش مسلط دولت در اقتصاد است که طی چند دهه گذشته نه تنها کسب درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت، توسعه کشور را به همراه نداشته است بلکه با توجه به نحوه هزینه کردن آنها، توزیع عادلانه ثروت‌ها و درآمدها در جامعه نیز میسر نگردید و با افزایش درآمدهای نفتی که مالکیت و اختیار هزینه کردن آن در دست دولت بود، دولت نقش فعال‌تری را در اقتصاد کشور ایفا نمود و با تزریق دلارهای بیشتر^۱ به تدریج دامنه فعالیت‌های اقتصادی خود را با در اختیار گرفتن بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی موجود و ایجاد شرکت‌ها و مؤسسات جدید، به اموری گسترش داد که ارتباطی به دولت نداشتند. در این روند دولت به جای ارائه کالاها و خدمات عمومی و بسترسازی برای رشد فعالیت‌های بخش خصوصی، تولید و ارائه بسیاری از کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه را رأساً در دست گرفت و به رقابت با بخش خصوصی و ایجاد موانع برای فعالیت‌های آن پرداخت و این بخش را هر چه بیشتر به سمت فعالیت‌های غیرمولد و تجاری سوق داد. با سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت در فعالیت‌های تولیدی و اجرای سیاست‌های قیمت‌گذاری و سهمیه‌بندی توسط دولت، امکان انتقال بخش اعظم ثروت‌های جامعه به گروهی اندک فراهم شد و بخش قابل توجهی از درآمدهای نفتی کشور یا از طریق تعلق گرفتن

۱. بررسی‌ها و مطالعات نشان می‌دهد که اقتصاد هر کشوری، ظرفیت جذب مقدار معینی پول ملی (نقدینگی) و پول خارجی (ارز) دارد و اگر نقدینگی و ارزهای خارجی بیش از ظرفیت، وارد اقتصاد داخلی شود، علاوه بر تورم، به فساد گسترده مالی می‌انجامد. در مورد کشورمان در دهه ۱۳۷۰ مطالعه‌ای انجام شده که در آن زمان این مقدار ارز را حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار برآورد نموده است و بررسی‌های جدیدی لازم است تا قدرت جذب فعلی ارز را در اقتصاد نشان دهد. به نظرمی رسد دلارهای انبوه نفتی (قریب به ۱۰۰ میلیارد دلار در سال) در سالهای گذشته، احتمال فساد مالی را بسیار افزایش داده است.

سهمیه‌های ارزی و کالایی و برخورداری از تسهیلات بانکی و مجوزها و امتیازات ویژه به جیب رانت‌خواران سرازیر شده و یا به شکل هزینه‌های یک سیستم ناکارآمد دولتی در حال اتلاف می‌باشد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹).

با وجود توجه گسترده و تأسیس و گسترش نهادهای بسیار با مأموریت مبارزه با فسادمالی و تخصیص منابع و بودجه‌های کلان به این امر، شاهد شیوع روزافزون این عارضه تقریباً در تمامی تار و پود نظام اسلامی هستیم و این معضل، ریشه‌ها و انگیزه‌های بسیاری دارد که می‌توان در شکل‌گیری و شیوع مفاسدمالی در کشور آنها را بر شمرد؛ اما همه این علل و عوامل را- اگرچه مهیوشانی دارند- در قالب علل عمده حاکمیتی، حقوقی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌توان دسته بندی کرد که به صورت جزئی تر، اهم آنها که ابعاد فوق را پوشش می‌دهد، عبارتند از:

دلایل حاکمیتی

- تاریخ بلند استبداد که با فساد عجین بوده و نتیجه، آنکه دولت فاسد، ملت (رعیت) فاسد بار می‌آورد؛
- شکل‌گیری دولت رانتی با در اختیار گرفتن رانت آب در طول تاریخ و رانت نفت بویژه پس از ملی شدن صنعت نفت؛
- دولت بزرگ، قدرتمند، انحصارگر و دخالتگر که برخی تولید و مصرف‌کنندگان می‌کوشند به حکومت نزدیک شده و از موقعیت و امتیازات دولتی سوءاستفاده کنند؛
- دولت نفوذهای ناهمگن و اختلاف بین مسئولان و شخصیت‌های سیاسی- اجتماعی و نداشتن تابع هدف واحد؛
- حضور نظامیان و شبه نظامیان به عنوان اقشار پیشتاز، در همه عرصه‌ها از جمله اقتصاد؛ با نظارت ضعیف؛
- ساختار معیوب پیکره دولت و حاکمیت و نیز شفاف نبودن سیاست‌ها و فعالیت‌ها و پاسخگو نبودن دولت؛
- نظام اداری ناکارآمد فسادآلود که می‌خواهد با فساد مبارزه و توسعه ایجاد کند!
- دلایل حقوقی (قضایی و قانونی)
- نظام مبتنی بر صدور مجوز برای فعالیت‌های رانتی توسط ارگان‌های ذی‌ربط به افراد خاص؛

- تحریم‌ها بویژه نفتی و دور زدن آنها که به دلیل عدم شفافیت، پتانسیل زیادی برای فساد داشته است؛^۱
- انجام برخی معاملات دولتی در شرایط غیررقابتی و بدون برگزاری مناقصه، حراج، مزایده رسمی و واگذاری غیرشفاف؛
- دستیابی زود هنگام برخی اشخاص به اطلاعات مالی و اقتصادی مربوط به شرکت‌ها و یا سیاست‌های اتخاذ شده دولت؛
- ضعف قوانین، مقررات و مصوبات پرشمار و بدون اثربخشی؛
- ضعف کنترل‌های بیرونی و ناکارآمدی نهادهای نظارت و بازرسی عریض و طویل و سیستم حسابرسی نارسا و طولانی شدن فرایند پیگیری^۲ و رها شدن برخی از آنها پس از گذشت زمان؛
- نارسایی در نظارت عمومی و شراکت برخی نمایندگان مردم در رانت‌های قانونی؛^۳
- مصادره‌ها و ملی شدن‌های بعضاً بی رویه و واگذاری‌های شتابزده در چارچوب اصل ۴۴؛

۱۱. دلایل فرهنگی

- تغییر ارزش‌ها، افزایش نیازها و فردگرایی افراطی و رفاه زدگی اقشاری از مردم؛
- ضعف باورهای مذهبی و کنترل‌های درونی که به رغم اهداف، پس از پیروزی انقلاب اسلامی گسترده‌تر شده؛
- تضعیف مراجع اجتماعی بویژه مراجع تقلید که بعضاً خود نیز عامل آن بودند که با قدرت درآمیختند؛ مراجعی که از محورهای هویت جمعی و منبع الهام و هنجارها بودند؛

۱. یکی از شیوه‌هایی که در دولت نهم و دهم سبب فساد و رانت شد، شیوه‌های تهاوری بود که به دلیل شرایط تحریم‌ها بر اقتصاد کشور تحمیل شد. وقتی افراد خود را از قوانین بالاتر می‌بینند، به راحتی قوانین را دور می‌زنند و هیچ ارزشی برای اجرایی کردن قوانین قائل نیستند که در آن صورت، باید منتظر باشیم تا رانت و فساد بروز کند (تاجگردون، ۱۳۹۲). بخش اعظمی از مفسدان مالی در فرایند دور زدن تحریم‌ها دچار فساد شده‌اند.

۲. زمان بررسی پرونده‌های فساد مالی، ۲ تا ۳ و گاه تا ۵ سال به طول می‌انجامد؛ که سبب می‌شود که هم جامعه حساسیت خود را نسبت به آن از دست بدهد و موضوع کم‌کم فراموش شود و هم با توجه به شرایط اقتصادی کشور، بعد از گذشت مدت زمانی از آن و بروز فسادهای دیگر و احیاناً بزرگتر، دیگر ابعاد آن ضربه اقتصادی به کشور، چندان بزرگ به نظر نیاید.

۳. در بعد نظارت، از آنجایی که نهادهای نظارتی، خود از این رانت استفاده می‌کنند، چندان نمی‌توان امیدوار بود که عزم جدی برای مقابله با پدیده رانت قانونی در کشور وجود داشته باشد. امروزه شاهد هستیم تمام بخش‌ها و نهادها از جمله نهادهای نظارتی، تلاش می‌کنند تا سهم بیشتری از این رانت قانونی را به خود اختصاص دهند و طبیعتاً ناظران هم نمی‌توانند به طور که شایسته به وظایف خود عمل کنند (عزتی، ۱۳۹۲).

- نگاه فقهی صرف به اقتصاد بدون رعایت عدالت و اخلاق مانند تعیین نرخ بهره بسیار پایین تر از نرخ تورم؛
- ملاک شدن تعهد و تخصص که برای تعهد، معیار ارزیابی بیرونی وجود ندارد و فاسدان دو رو مجال می‌یابند؛^۱
- انتصاب مدیران با ملاحظات ایدئولوژیک، سببی و نسبی و آشنا بازی؛^۲
- دلایل اجتماعی
- از بین رفتن هویت های قبیله ای و عدم جایگزینی «ملت» به جای آن و در نتیجه، تضعیف همبستگی و هنجارهای عمومی؛
- مطبوعات، جنبش دانشجویی، سازمان های مردم نهاد و جامعه مدنی ضعیف؛
- کاهش سطح سرمایه اجتماعی تعمیم یافته (افول اعتماد عمومی)؛
- دلایل اقتصادی
- فقدان بازار مدیران و چرخش آنان بر اساس شایستگی (تخصص، تجربه و توانایی) و در چارچوب رقابت سالم؛
- فقر، نابرابری، تبعیض، تورم و بیکاری گسترده و مزمن و نامناسب بودن امنیت شغلی؛
- دو نرخی بودن برخی کالاها و خدمات بویژه تفاوت نرخ اعتبارات بانکی و نرخ بهره پول و نرخ ارز؛
- پایین بودن سطح حقوق و دستمزدها در بخش دولتی، باعث کاهش ریسک و هزینه فساد (مثلاً اخراج)؛
- به هم ریختن استانداردها و نهادهای مرتبط مهم مانند سازمان برنامه، قانون برنامه چهارم و سند چشم انداز؛
- نتیجه
- تولید انبوه فساد ساختاری و سیستماتیک (با استفاده از: ربیعی، ۱۳۸۳ و صادقی و همکاران، ۱۳۸۹)؛

۱. در دو ملاک ذکر شده، تعهد در اولویت قرار گرفت و بیشتر افرادی که امروزه به عنوان فاسدان مالی از آنها یاد می‌شود، ظاهراً در زمره متعهدان بودند.

۲. نیروهایی که با رابطه و نه ضابطه و طی کردن سلسله مراتب و تنها به دلیل ارتباطهایی که با ساخت قدرت دارند، در پست‌های کلیدی منصوب می‌شوند، از مصادیق زمینه‌ساز فساد می‌باشد. به طور مثال ابتدا باید به یک مدیر اجازه داد تا اجازه امضای ۱۰ و بعد ۱۰۰ میلیون تومانی و بعد به وی اختیار امضای مقادیر بالاتر تا صدها میلیارد تومان داده شود و در واقع، این افراد به صورت آسانسوری در ساخت قدرت جا به جا می‌شوند (تاجگردون، ۱۳۹۲).

۱۲. فساد مالی از دیدگاه اسلام

یکی از مبانی در آموزه های اسلامی مبارزه با پدیده رشوه است. در اسلام رشوه دهنده و رشوه گیرنده به شدت محکوم شده و امکاناتی که از این راه تحصیل می شود، ناروا و از نظر شرعی حرام است. رشوه خواری سبب می شود قوانینی - که قاعدتاً باید حافظ منافع طبقات ضعیف باشد - به سود طبقات نیرومند - که باید قانون آنها را محدود کند - به کار بیفتد؛ زیرا قدرتمندان، قادرند از منافع خویش دفاع کنند، و می باید حقوق ضعیف در پناه قانون حفظ شود. اگر باب رشوه گشوده شود، قوانین نتیجه معکوس خواهد داد، زیرا اقویا که قدرت پرداخت رشوه دارند، قوانین را به خدمت خود درمی آورند و به همین جهت، در اسلام رشوه خواری با شدت هر چه تمامتر محکوم و از گناهان کبیره محسوب می شود.

در نهج البلاغه در ماجرای هدیه آوردن " اشعث بن قیس " آمده که او برای غلبه بر طرف دعوای خود در محکمه علی (ع) متوسل به رشوه شد و ظرفی پر از حلوا را شبانه به در خانه علی (ع) آورد و نام آن را هدیه گذاشت. علی (ع) بر آشفت و فرمود: «سوگواران بر عزایت اشک بریزند، آمده ای مرا فریب دهی و از اعمال حق باز داری؟ ... به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان های آنها است به من دهند که پوست جوی را از دهان مورچه ای به ظلم بگیرم، هرگز نخواهم کرد، دنیای شما از برگ جویده ای در دهان ملخ برای من کم ارزش تر است؛ علی را با نعمتهای فانی و لذتهای زودگذر چه کار؟»^۱.

اسلام رشوه را در هر شکلی محکوم کرده است. در تاریخ زندگی پیامبر (ص) آمده که: به او خبر دادند یکی از فرمانداران رشوه ای در شکل هدیه پذیرفته، حضرت بر آشفت و به او فرمود چرا آنچه حق تو نیست می گیری؟^۲ او در پاسخ گفت آنچه گرفتم هدیه بود ای پیامبر.^۳ پیامبر (ص) فرمود اگر شما در خانه بنشینتی و از طرف من فرماندار محلی نباشی، آیا مردم به شما هدیه می دهند؟^۴ سپس دستور داد هدیه را گرفتند و در بیت المال قرار دادند و وی را از کار برکنار کرد.^۵

۱. هبلتک الهمبول اعن دین الله اتیتنی لتخدعنی؟ ... و الله لو اعطیت الاقالیم السبعه بما تحت افلاکها علی ان اعصی الله فی نملة اسلبها جلب شعیره ما فعلته و ان دنیاکم عندی لاهون من ورقه فی فم جراده تقضمها ما علی و لنعمیم یفنی و لذة لاتیقی (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴).
۲. کیف تاخذ ما لیس لک بحق؟
۳. لقد کانت هدیه یا رسول الله
۴. رأیت لو قعد احدکم فی داره و لم نوله عملاً کان الناس یهدونه شیئاً؟
۵. الامام علی (ع)، ج. اول، ص. ۱۵۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در حدیثی از رسول خدا نقل شده که خداوند گیرنده و دهنده رشوه و واسطه آن را از رحمت خود دور گرداند^۱. و امام صادق (ع) درباره آن فرموده: رشوه در قضاوت، کفر به خداوند بزرگ است^۲. در اسلام حتی برای اینکه قاضی، وسوسه رشوه نشود، قاضی نباید شخصاً به بازار برود، مبدا تخفیف قیمت ها ناخودآگاه روی قاضی تأثیر گذارد و در قضاوت جانبداری کند.

در آیات قرآن، فساد در مقابل اصلاح آمده است. در این چهارچوب، مفاسد مالی اعمالی هستند که بر خلاف آموزه های دینی بوده، در حوزه اقتصاد، مانع تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی اند. اصیل ترین علت بروز و شیوع مفاسد مالی در جامعه، به کار نیستن دستورات الهی و به حاشیه راندن دین است. چنانچه در قرآن می خوانیم: و شما مسلمانان اگر آنچه را که خداوند دستور داده به کار نیندید، فتنه و فساد بزرگ، زمین را فرا خواهد گرفت (انفال (۸): ۷۳).

به طور خلاصه، اهم علل شکل گیری، بروز و شیوع مفاسد مالی را از نظر اسلام می توان چنین بیان کرد:

- هوای نفس (مؤمنون (۲۳): ۷۱) و عدم رعایت اوامر الهی (بقره (۲): ۲۷)؛ بی توجهی به معاد (یونس (۱۰): ۴۰)؛
- کفران نعمت (المدثر (۷۴): ۱۵) و عدم رعایت حقوق دیگران (هود (۱۱): ۸۵)
- ضعف تدبیر مدیران (یوسف (۱۲): ۷۳) و حکومت ظالم (نمل (۲۷): ۳۴)؛
- نبود فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه (هود (۱۱): ۱۱۶)؛
- ترس از به خطر افتادن موقعیت و قدرت حاکمان خاطی و ناصالح (غافر (۴۰): ۲۶) (با استفاده از: hawzah.net).

۱۳. پیامدهای فساد مالی از نظر اسلام

اهم آثار و پیامدهای فساد مالی و گسترش مفاسد مالی در جامعه از نظر اسلام به صورت فهرست وار:

- تخریب عمران و آبادانی کشور و از بین رفتن نظم عمومی (بقره (۲): ۲۰۵؛ اعراف (۷): ۵۶)؛
- در امان نبودن مردم درست کردار و جامعه (کهف (۱۸): ۹۴)؛
- نداشتن آسایش در دنیا و آخرت (عنکبوت (۲۹): ۳۶).

۱. لعن الله الراشی و المرتشی و الماشی بینهما (بحار الانوار، جلد ۱۰۱).
 ۲. و اما الرشا فی الحکم فهو الکفر بالله العظیم (وسائل الشیعه، جلد ۱۲).

- رواج تبعیض طبقاتی (بقره (۲): ۳۰)؛ و فقر (بقره (۲): ۲۲۰)؛ و پایمال کردن حقوق ضعفا (مائده (۵): ۶۴)؛

اگر فساد مالی در جامعه سیطره یابد، وحدت جامعه که پشتوانه حکومت دینی است، از بین می رود و اخلاق اجتماعی و فردی و ریشه های اعتماد در هم می ریزد و تضاد اجتماعی جایگزین وحدت می شود. اسلام، از طرفی، با بیان عاقبت پیشینیان فاسد، مردم و حکومت های اسلامی را بارها به درس گرفتن از عقوبت آنها سفارش می کند. گاهی این اعمال، حرام معرفی، و گاهی گناهی بزرگ یاد و مرتکبان مورد لعن خداوند قرار گرفته اند و حتی اعمال فاسد در حد کفر تلقی شده است (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶ و نامه ۵۳؛ بحار، ج ۲۳: ۱۰ و ۱۴؛ وسایل، ج ۱۲). نتیجه اینکه مصادیق فساد مالی در آیات و روایات به شکل های گوناگونی بیان شده اند و همگی آنها بر گناه بودن چنین اعمالی تأکید دارند. نگرش اسلامی، همگی بر حرمت فعالیت های فساد آلود تأکید دارند (hawzah.net).

۱۴. راه حل های مبارزه با فساد مالی از دیدگاه اسلام

تقوا و خودکنترلی: اسلام بر دو نوع از عوامل اساسی در امر مبارزه با معضل فساد مالی تأکید دارد: عوامل درونی و عوامل بیرونی. عوامل باز دارنده درونی (خودکنترلی) در نهاد فرد قرار دارد و بر روی انگیزه ها و رفتارهای او تأثیر می گذارد. خودکنترلی، به معنای نظارت و مواظبت فرد بر اعمال و رفتار خویش، و در نتیجه انجام وظایف به نحو مطلوب و پرهیز از انحراف و تخلف است (غررالحکم، حدیث ۲۴۲۹). در ادبیات قرآنی، خودکنترلی با «تقوا» پیوندی ناگسستنی دارد. به تعبیر دیگر، نیروی کنترل درونی است که انسان را حفظ می کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱).

اما بنیان چنین احساس مسؤولیتی، دو عامل است: ۱. یاد خدا؛ یعنی توجه به حضور و مراقبت دائمی خداوند در همه جا و همه حال؛ قرآن می فرماید: «آیا نمی دانید خداوند اعمال شما را می بیند؟» ۲. توجه به معاد. توجه به این دو اصل، سرلوحه برنامه های تربیتی و تأثیر آن در پاک سازی فرد و اجتماع، کاملاً چشمگیر است (همان، ج ۲۳).

این اعتقاد اگر ریشه بگیرد می تواند باعث تغییر بنیادی در بینش و منش افراد شود و زهد و قناعت، پرهیز از دنیازدگی، بر حذر بودن از تمرکز ثروت و بسیاری از مصادیق فساد مالی را در پی داشته باشد.

۱. اَلَمْ یَعْلَمْ بِاَنَّ اللّٰهَ یَرٰی (علق، ۱۴).

تقوا دارای شاخه‌های گوناگون از جمله تقوای مالی و اقتصادی، و در اینجا تقوای کاری مورد نظر است، که معادل خویش‌داری است؛ یعنی کنترل خویش هنگام انجام کار، و پرهیز از روابط سوء اجتماعی با دیگران. امام علی (ع) کارگزاران خود را به‌طور ویژه به رعایت تقوا سفارش می‌کند، که کارگزار موظف به خودکنترلی در همه کارها، بویژه در امر حکومت و مدیریت است؛ اگرچه این سفارش‌ها، در شکلی دیگر، همه افراد و عرصه‌ها را فرا می‌گیرد.

با مراجعه به آموزه‌های دینی درمی‌یابیم که بالاترین شکل پاسخ‌گویی، پاسخ‌گویی‌ای است که از درون افراد ناشی می‌شود، نه از بیرون و جامعه. برای رسیدن به این نوع از پاسخ‌گویی درونی، باید جهان‌بینی افراد را توسعه داد؛ تا جایی که از مرز زندگی این‌دنیایی بگذرد و زندگی اخروی و جاودانی را نیز شامل شود. آموزه‌های اسلامی، راهنمای انسانها در تمامی ابعاد زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و... است و در ترغیب انسانها به انجام کارهای پسندیده و روی‌گردانی از کارهای ناپسند بسیار قوی‌تر و نیرومندتر از هر جهان‌بینی غیردینی می‌باشد.

در میان باورها، ایمان به معاد، عاملی بسیار قوی در پایبندی به ارزش‌ها، و در نتیجه خودکنترلی است. اعتقاد به معاد، مسؤولیت‌آفرین است؛ تقوا را پرورش می‌دهد و از آلوده شدن آنها به معصیت جلوگیری می‌کند (خدمتی و همکاران، ۱۳۸۱).

حضرت علی (ع) در مورد توجه به معاد می‌فرماید: «یاد مرگ از دل‌های شما رفته و آرزوهای فریبنده جای آن را گرفته است ... شما را چه شده است که با به دست آوردن متاعی اندک از دنیا شادمان می‌شوید و از متاع بسیار آخرت که از دست می‌دهید، اندوهگین نمی‌شوید». البته دین فقط به عوامل درونی بسنده نکرده و برای آنهایی که به ندای درونی خود توجهی ندارند، اهرم‌ها و ضمانت‌های کنترل بیرونی را قرار داده است.

وجود مراجع نظارتی قوی و دقیق: مهم‌ترین اصل در کاهش مفاسد مالی که از عوامل بیرونی به شمار می‌رود وجود مراجع نظارتی قوی در جامعه است. در جوامع اسلامی علاوه بر نظارت خداوند، مراجع نظارتی دیگر وجود دارد: الف) نظارت حکومت: که فقط نظارت مستقیم نیست؛ بلکه نظارت بر تمام ارکان جامعه را به طور غیر مستقیم شامل می‌شود. کنترل و نظارت که یکی از وظایف اصلی حکومت و از ارکان

۱. قَدْ غَابَ عَنْ قُلُوبِكُمْ ذِكْرُ الْأَجَالِ وَ حَضَرَتْكُمْ كَوَادِبُ الْأَمَالِ فَصَارَتْ الدُّنْيَا أُمْلَكَ بَعْكُمْ مِنَ الْآخِرَةِ وَ الْعَاجِلَةُ أَذْهَبَ بَعْكُمْ مِنَ الْآجِلَةِ ... مَا بَالَكُمْ تَفْرَحُونَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الدُّنْيَا تُذَرُّ كَوْنَهُ وَ لَا يَحْزَنُكُمْ الْكَثِيرُ مِنَ الْآخِرَةِ تُحْرَمُونَ (خطبه ۱۱۳).

اصلی مدیریت سالم و کارآمد به شمار می رود. حضرت امیر علیه السلام در این باره می فرماید: بدکار را به پاداش نیکوکار رنجه دار (نهج البلاغه: حکمت ۱۶۸).

ب) نظارت همگانی: مردم، بهترین ناظر در جهت انجام درست امور هستند. کلیه افراد جامعه یا سازمان ها موظفند بر اساس وظیفه بر عملکرد دیگر اعضا و مدیران و نظارت داشته باشند؛ که همان امر به معروف و نهی از منکر است. تشویق و تنبیه نیز اهمیت دارد که باعث دلگرمی افراد صالح و کارآمد می شود و از طرفی، ترس و نگرانی فاسدان را در پی خواهد داشت. امر به معروف را به منزله یک نظارت اجتماعی، می توان چهار گونه دسته بندی کرد: نظارت مسؤولان بر مردم (از طریق اعمال قوانین و مقررات)، نظارت مردم بر مسؤولان (از طریق رسانه ها)، نظارت مردم بر مردم و نظارت مسؤولان بر مسؤولان.

در انجام وظیفه امر به معروف نسبت به مسؤولان، در نظام اسلامی، مردم دو وظیفه اساسی دارند: یکی مشورت دادن به مسؤولان است: «و شاورهم فی الأمر» و «أمرهم شوری بئبهم»؛ نقش دوم در امور حکومتی نسبت به مسؤولان، مراقبت و پاسداری از اجرای قوانین است. مردم موظفاند که هر جا خللی در اجرای قانون ببینند، تذکر دهند و اگر مفید واقع نشد، اعتراض کنند. این وظیفه، امر به معروف و نهی از منکر است که خداوند در قرآن صریحاً به آن امر می کند (آل عمران: ۱۰۴).

اقدامات عملی و برنامه اصلاح: از جمله این اقدام ها: عزم بر استرداد اموال غارت شده از بیت المال، برنامه جدی برای اجرای عدالت در اجرای قوانین (مساوات در برابر قانون) و بهره برداری مساوی از بیت المال، الغای امتیازات نابه جا، مبارزه با بدعت ها و تحریف ها و انحراف ها، اتخاذ تدابیر حکیمانه برای امت.

برکناری و عزل کارگزاران: به کارگیری کارگزاران باکفایت از ضروریات در آموزه های اسلامی است. امام (ع) نیز تأکید کرده اند که: همانا بدترین همکاران تو، آنانی هستند که برای اشرار قبل از تو، وزیر بوده اند و در گناهان با آنان همکاری داشته اند.^۱ نشانه انحطاط دولت، افراد فرومایه و پست را مقدم داشتن، افراد بافضیلت را کنار زدن و ... (الحیاه، ج ۱).

مجازات مفسدان مالی: اسلام درباره مجازات مفسدان مالی، حدّ معینی قرار نداده و آن را جزو تعزیرات دانسته و بنا به تشخیص زمامدار است. حاکم می تواند مجازات های سختی را وضع کند. علی (ع) نیز پس از نظارت های گوناگون، خطاکار را به شدیدترین مجازات می رساند و در این زمینه به صراحت تأکید می کرد که با مفسدان مالی برخورد قاطع و صریح داشته باشند

۱. إِنَّ شَرَّ وُزَرَائِك مَنْ كَانَ لِلْأَشْرَارِ قَبْلَكَ وَزِيْرًا (نامه ۵۳).

نهج البلاغه: نامه ۵۳ و ۷۰؛ خطبه ۴۴ و حکمت ۴۷۶) که باعث عبرت شود. راه‌های مبارزه با شیوع مفاسد مالی از نظر اسلام، علاوه بر موارد فوق:

- تحکیم مبانی اعتقادی و ارزش‌های دینی؛
- لزوم پاسخگویی به مردم از سوی مسؤولان؛
- تلاش دولت در جهت تأمین رفاه و امنیت و تحکیم موقعیت کارگزاران؛
- لزوم ساده‌زیستی کارگزاران حکومتی جلوگیری از تمرکز ثروت (تعدیل ثروت) (با استفاده از: hawzah.net).

حضرت در نامه ۵۳ نهج البلاغه می‌فرمایند: و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد، او را کیفر کن و اموالی که در اختیار دارد از او باز پس گیر و او را خوار و خیانتمکار شمار و طوق بدنامی به گردنش افکن.^۱

و در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر فرموده: هرگاه رعیت بر تو بدگمان گردد، عذر خویش را آشکار ساز و از بدگمانی نجاتشان ده که ریاضت خودسازی تو و مهربانی نسبت به رعیت است و این پوزش تو آنان را به حق و می‌دارد.

در میان حکومت‌ها، تاکنون حکومتی، مانند حکومت علی(ع) در امور کارگزاران خود حساسیت و دقت به خرج نداده که از نامه‌ها و خطبه‌ها به والیان حکومتی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و دینی، توجه به تقوا و آخرت مشاهده می‌شود.

علی(ع) هیچگاه در انتصاب‌ها آشنایی را مدنظر قرار نمی‌داد و رضای خدا و مصلحت خلق را در نظر می‌گرفت. در اندیشه حضرت، هیچ خطری برای جامعه اسلامی بیش از بر سر کار آمدن افراد کم‌صلاحیت نبود و هنگام گماردن مالک به حکومت مصر، در نامه‌ای به مصریان چنین هشدار داد: من بیم دارم که نابخردان و نابکاران، زمام امور را به دست گیرند و مال خدا را دست‌به‌دست و بندگان او را بردگان خود و با صالحان به دشمنی برخیزند و با فاسقان دوستی کنند (نهج البلاغه، ص ۱۰۵۰).

مبارزه با انحصارگرایی‌ها و انحصارطلبی‌ها: به فرموده امام علی(ع): «هر کس به فرمان‌روایی رسد، انحصارطلبی پیشه کند» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۰). اما علی(ع) در بیت

۱. وَ تَحَقَّقْ مِنَ الْأَعْوَانِ فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ نَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا أَخْبَارُ غِيُونِكَ اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا- فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ وَ أَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمُدَلَّةِ فَوَسَّمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ وَ قَلَدْتَهُ عَارَ النَّهْمَةِ (نامه ۵۳).

۲. وَ إِنْ ظَلَمْتَ الرَّعِيَّةَ بِكَ حَيْفًا فَأُصْحِرْ لَهُمْ بَعْدْرَكَ وَ اغْدِلْ عَنْكَ ظُنُونَهُمْ بِإِصْحَارِكَ فَإِنْ فِي تِلْكَ رِيَاضَةً مِنْكَ لِنَفْسِكَ وَ رِفْعًا مِنْكَ بِرَعِيَّتِكَ وَ إِغْذَارًا تُبْلَغُ فِيهِ حَاجَتَكَ مِنْ تَقْوِيمِهِمْ عَلَى الْحَقِّ (نامه ۵۳).

المال چیزی باقی نمی‌گذاشت (و همه را میان مردم تقسیم می‌کرد)، مگر آنچه را که در آن روز نمی‌توانست تقسیم کند؛ و می‌فرمود: «ای دنیا! دیگری را بفریب؛ و هیچ چیزی از فیء را به انحصار خود در نمی‌آورد و چیزی را به خویشاوندان و نزدیکانش اختصاص نمی‌داد (قرطبی، ۱۴۱۵، ج ۳).

در توجه در گماردن افراد حضرت می‌فرماید: «اطرافیان خود را از نیکان برگزین و کسانی که امتیاز خواه و متجاوز و فاقد انصافاند، از خود دور گردان و به احدی از کسان خود اجازه مده که ملکی را برای خویش گیرند» (دعائم الاسلام، ج ۱).

عدم تبعیض در برخورد با فساد: رسول خدا(ص) در مقابل تلاش عده‌ای برای جلوگیری از قطع دست زنی از اشراف که مرتکب سرقت شده بود، فرمود: «آن‌آنکه پیش از شما بودند، تنها به سبب چنین تبعیض‌هایی هلاک شدند؛ زیرا حدود را بر ناتوانان اجرا می‌کردند و قدرتمندان را رها می‌ساختند. بنی‌اسرائیل به این سبب هلاک شدند که حدود را بر فرودستان اجرا و بزرگان را معاف می‌کردند» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۲). «به آن کس که جان محمد در دست اوست سوگند که اگر دخترم فاطمه نیز چنین کرده بود، دست او را قطع می‌کردم» (همان).

راهکارهای مربوط به نظام اداری سالم و کارآمد

شایسته‌سالاری و پرداخت حقوق مکفی: استخدام‌ها باید بر اساس دو معیار شایستگی و درستکاری باشد؛ آن‌گونه که در قرآن کریم آمده است: «قالت یا أبت استأجره ان خیر من استأجرت القوی الامین»؛ از زبان دختران شعیب خطاب به پدر در استخدام شبان به حضرت موسی می‌گوید: «او را به خدمت بگیر؛ زیرا قوی (شایسته) و درستکار است» (قصص: ۲۶).

پرداختی مستخدمان دولتی نیز باید مکفی باشد تا کمتر در معرض وسوسه قرار بگیرند (رضائیان، ۱۳۸۵). از این رو، فقر در دین همسایه کفر معرفی شده است؛ نبی اکرم(ص) می‌فرماید: «کاد الفقر أن یكون کفراً» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ج ۸).

علی (ع) تأمین زندگی کارکنان را از وظایف سازمان می‌داند و به مالک اشتر می‌فرماید: «ثم أسبغ علیهم الارزاق؛ فإن ذلک قوت لهم علی استصلاح أنفسهم غنی لهم عن تناول ما تحت ایدیهم، و حجه علیهم إن خالفوا أمرک أو ثلموا امانتک» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) (با استفاده از: حسنی و همکار، ۱۳۹۱).

گزارش موقوف به مردم و بیان نیازها بدون لکننت: معادل امروزی این گزارش‌ها، شفافیت می باشد که عبارت است از آشکار بودن مبنای تصمیمات حکومتی که به‌عنوان مؤثرترین ابزار مبارزه با فساد اداری، به کار می‌رود.

این مقوله مورد تأکید آموزه‌های دینی است. اسلام که حکومت را امانت می‌داند، نظارت بر چگونگی عملکردها و ضرورت پاسخ‌گویی را از مسلمات به‌شمار می‌آورد. به همین علت امام علی (ع) خطاب به مالک، می‌فرماید: برای کسانی که به تو نیاز دارند، زمانی معین کن که در آن، فارغ از هر کاری به آنان بپردازی. برای دیدار با ایشان به صورت عمومی عمل کن؛ مجلسی که همگان بتوانند به آن وارد شوند. و برای خدایی که آفریدگار توست، در برابرشان فروتنی نمای و بفرمای تا سپاهیان و یاران به یک سو شوند تا بی‌هراس و بی‌لکننت زبان، سخن بگویند؛ که من از رسول‌الله (ص) بارها شنیدم که می‌گفت: پاک و آراسته نیست امتی که در آن، زبردست نتواند بدون لکننت زبان، حق خود را از قوی‌دست بستاند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

افشای خطاکاری‌ها: امروزه رسانه‌های آزاد خطاکاری‌ها و سوء عملکردها را افشا می‌کنند. چنان‌که قرآن کریم یادآوری می‌کند: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره: ۲۵۱). و نیز «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا...» (حج: ۴۰).

نظام تربیتی اخلاقی: در اسلام بر نظام آموزشی و تربیتی، بسیار سفارش شده که در آن بیشتر بر هدایت صحیح استعدادهای انسانی جهت خیر، صلاح، صداقت، یک‌رویی، وفای به عهد و گسترش اخلاق تأکید رفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۳. راه حل های مدیریت (کنترل و کاهش) فساد مالی

علاوه بر موارد فوق که از آموزه های دینی بررسی شده در مقاله استخراج گردیده، موارد زیر نیز از یافته های مقاله برگرفته شده است (با نگاهی به: طبیبیان و حبیبی، ۱۳۷۴ ربیعی، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳؛ خضری، ۱۳۸۱؛ راغفر، ۱۳۸۲ و مؤمنی، ۱۳۹۲ Yousif Khalifa, 2003 : hawzah.net).

اولویت سیاستگذاری ها: در بحث های مبارزه با فساد، ابتدا می باید گلوگاه ها و بخش پیشتاز تولید فساد را محور قرار داد و در موضوع تقدم توسعه سیاسی و یا اقتصادی، باید گفت کشور هایی که از منابع رانتهی بی بهره اند، ابتدا لازم است توسعه اقتصادی اتفاق بیفتد و از ارزش افزوده تولید، بتوان مالیات دریافت کرد و مخارج دولت را از محل آن تأمین نمود. در این صورت، دولت وامدار ملت، و در نتیجه مجبور به پاسخگویی خواهد بود و قدم اول توسعه سیاسی برداشته خواهد شد. اما در کشورهای دارای منابع رانتهی و دولت های مقتدر، ابتدا می باید مردم - به عنوان اولین گام توسعه سیاسی - قدرتمند شوند تا بتوانند درآمد منابع را در اختیار گیرند تا، انضباط دولت را تضمین نمایند. وگرنه، مشکلات همچنان تداوم می یابد. اگر در کوتاه مدت فرایند فوق مقدور نباشد، می باید تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور، بسیار آهسته و به طرح های عمرانی صنعتی، بهداشتی و آموزشی با عمر طولانی - برای رعایت عدالت بین نسلی - تخصیص یابد و یا در جهتی هزینه شود که به حمایت از نگاه های تولیدی و صادرات بیانجامد. گام بعدی، استقلال بانک مرکزی از دولت و بویژه در سیاست خلق پول به صورت دستوری - برای تأمین کسر بودجه دولت - است. در مراحل بعدی و در بلند مدت، ضروری است بودجه دولت از منابع نفتی مستقل گردد.

تشکیل نهادهای مستقل مبارزه با فساد: ایجاد نهادی مستقل برای پیگیری راهبردها و نظارت مستمر. بسیاری از کشورها نهادهای مستقلی ایجاد کرده اند که وابستگی به قوه مجریه و حتی پلیس ندارند. وجود استقلال برای مبارزه با فساد سبب انباشت تجربه و تخصص های مورد نیاز شده و به مرور زمان کارایی در امر مبارزه با فساد افزایش می یابد و همچنین، جلوی اعمال نفوذ مسؤولان در تحقیقات را خواهد گرفت. بدون استقلال، مبارزه با فساد در رده های بالایی دولت ناموفق خواهد بود.

نظارت های قانونی: هرگونه تدابیر نظارتی نیازمند اقدامات ذیل است: کادر اداری حرفه ای، کمیته های قومی، استقلال بودجه ای، توان قابل ملاحظه نظارت بوروکراتیک به داشتن نقش نهادی در تأیید انتصابات سیاسی.

ایجاد خطوط ارتباطی و حمایت از مخبران: کمک گرفتن از همکاران اداری خاطی، صاحبان کار و کسب و شهروندان در جهت دریافت گزارش از فساد، از طریق دایر کردن خطوط ارتباطی نقش بسزایی ایفا خواهد کرد.

قضات سالم مستقل: مبارزه با فساد نیازمند دست‌های پاک است. با دستگاه قضایی ناسالم، مبارزه با فساد، توهّم است.

پاسخگویی و نظارت مدنی: نظارت جامعه مدنی به عنوان رابطی میان دولت و مردم نقش مهمی در تحدید فساد دارد. ۴ مولفه مؤثر در پاسخگویی سیاسی عبارتند از: رقابت سیاسی، تأمین اعتبار احزاب، شفافیت، قوانین و ابزارهای حقوقی.

اصلاحات اجتماعی به کمک افکار عمومی و رسانه و ارتقای فرهنگی: آغاز اصلاحات، اطلاعات جدیدی درباره هزینه و ریشه‌های فساد از طریق رسانه‌ها افشا کرده و فرهنگ عمومی را در مورد زیانهای ناشی از فساد- به عنوان یک ضد ارزش- و تقاضای تغییرات را ارتقا می‌دهد و ساختارها را در جهت تسهیل دیده بانی و حمایت جامعه مدنی مستحکم می‌کند.

طلب مساعدت از سازمان‌های مردم‌نهاد: سازمان‌های حمایتی مدنی، می‌توانند بخشی از وظیفه نظارت عمومی و مدنی را تحقق بخشند. این‌گونه سازمان‌ها، دولت را در مقابل گروه‌های فشار و ذی‌نفعان فاسد که دارای قدرت هستند، مدد می‌رسانند. اتخاذ رویکردهای مشارکت جویانه به سمت سازمان‌های مردم‌نهاد توصیه می‌شود.

برگزاری همایش و فرهنگ‌سازی: این‌گونه همایش‌ها، متشکل از بالاترین سطوح دولتی و جامعه مدنی نقش بسزایی در فرهنگ‌سازی و ایجاد عزم سیاسی در مبارزه با فساد دارد.

سیاست‌های اقتصادی: رقابتی کردن فرایند تهیه و توزیع کالا و خدمات بنگاه‌ها اعم از دولتی و خصوصی، دستمزد مناسب و تقویت انگیزه کاری، شفاف‌سازی فرایند تصمیم‌گیری و تخصیص منابع و مقررات، دسترسی عمومی به اطلاعات لازم و کوچک‌سازی دولت نیز ضروری است.

مقابله پلیسی: پس از ایجاد بسترهای مناسب و ایجاد نهادهای کنترل‌گر فساد، هیچ برنامه ضد فساد، بدون مقابله عملی و تنبیه مؤثر نخواهد بود. در مقابله پلیسی با فساد به نکاتی باید توجه کرد. مهار سرشاخه‌ها، اقدام به اصلاحات اداری و اتخاذ تدابیر مثبت به نفع کارمندان درستکار و در نهایت، اجتناب از برخورد‌های پلیسی و مدیریت و کنترل مفاسد.

همکاری‌های بین‌المللی: به دلیل فراتر رفتن مساله فساد از مرزهای ملی، پس از گذر از تحریم‌ها، یکی از اولویت‌ها، همکاری و تبادل اطلاعات فراملی در این زمینه است.

در جهت موفقیت فرایندهای فوق، موارد زیر نیز توصیه می‌شود:

- تنظیم راهبرد، شناخت و اولویت اشکال و ریشه‌های فساد به طور عام و نهادهای دولتی به طور خاص؛
- بررسی فرصت‌ها و محدودیت‌های مبارزه و تعیین راهکارهای لازم؛ و اینکه فساد هیچگاه صفر نخواهد شد؛
- مبارزه می‌باید به عنوان یک فرایند دراز مدت و متکی به خواست، اراده و عزم سیاسی دولت و جامعه مدنی تلقی شود؛
- اگر مبارزه با فساد، به اولویت اصلی تمام مقامات کشور تبدیل نشود، مقابله، شکلی، مقطعی و برای رفع تکلیف است؛
- تا زمانی که نهادهایی فراتر از قانون و نظارت هستند، مبارزه با فساد، شعاری بیش نیست؛
- هرگاه محیط امنی برای فساد ایجاد شود، هر گروه ممکن است گرفتار شود و نباید جناحی و تسویه حسابی برخورد شود؛
- تا بودجه بر اساس نیازهای اصلی (کنترل تورم و بیکاری) تدوین نگردد، تغییر چندانی در این زمینه ایجاد نخواهد شد؛
- کاهش تصدّی‌ها و دخالت گسترده دولت در اقتصاد و تبدیل دولت رانتهی به دولت مقتدر نظارتگر بر فعالیت‌های اقتصادی؛
- خصوصی سازی واقعی، اجتناب اکید از خصوصی سازی شرکت‌های دولتی و انتقال به مؤسسات عمومی و حاکمیتی^۱؛
- هرگونه برخورد با فساد بدون حرکت ریشه‌ای اقتصادی ناممکن؛ مانند مثلاً مقررات زدایی، در بخش‌های دولتی^۲؛

۱. چرا که شرکت‌های دولتی تا حدودی زیر نظارت و حسابرسی قرار دارند ولی مؤسسات حاکمیتی و غیر دولتی بعضاً آن اندازه هم پاسخگو نیستند.

۲. بویژه اصلاح فرایندها و فعالیت‌هایی که متضمن اختیارات، از جمله صدور مجوزها، محدودیت‌های مقداری (سهامیه‌ها)، کنترل قیمت‌ها، اعطای قراردادهای دولتی، دادن بارانه‌ها، اعطای تسهیلات و اعتبارات ارزان، معافیت‌های مالیاتی و ... هستند.

- درس گرفتن از تجربه ۲۵ ساله کشور و اصلاح بنیادی جهت‌گیری‌های تعدیل ساختاری و توزیع رانت و کنترل رویه‌های افراطی انبساط مالی، آزادسازی واردات و دستکاری قیمت‌های کلیدی؛

- رسیدگی به بهره‌وری در اقتصاد ملی و واگرایی میان بنیه تولید اقتصاد ملی و تمایلات مصرفی و جلوگیری از برداشت‌های بی‌رویه از صندوق توسعه ملی برای تخصیص به کالاهای مصرفی؛

- عدم تسامح در مبارزه با مفاسد، بویژه در زمانی که این مفسدان بر سر کار می‌باشند

- با ارتباطات فامیلی و پیچیدگی‌های زاید اداری- که نوعی همدستی با مفسدان است؛

- حذف تشکیلات موازی و بویژه تجارت موازی و منع دخالت مدیریت‌های دولتی در تجارت (از مهمترین عوامل اختلاس)؛

- امروزه سلامت نخبگان در برابر فساد یک عامل کلیدی است که مردمسالاری‌های صوری را از واقعی تفکیک می‌کند. نباید تصور شود سیاستمداران، صادق اند. کنترل رانت‌های کلان در سطوح عالی‌رتبه، کنترل فساد خرد را امکان‌پذیر می‌سازد.

- در نهایت، هیچ برنامه‌ای قبل از طرح ملی مبارزه با فساد، به صورت جدی و نه صوری موفق نخواهد بود. مبارزه، کاری گروهی است و راهبردهای ویژه مبارزه، در صورتی کامیاب خواهد بود که جامع، قاعده‌مند، سازمان‌یافته و با مشارکت همه نهادها اجرا شود. فساد مالی، از عوامل گوناگونی ناشی است و یک سیاست خاص فقط آن را تضعیف و حتی گاهی تشدید می‌کند. برای ریشه کنی آن، برنامه همه‌جانبه نیاز است که همگان به رعایت و انجام آن ملزم باشند.

جمع بندی و نتیجه گیری

در ابتدای دولت نهم، رئیس دیوان محاسبات (نهاد نظارتی) بیان کرد که این دولت پاک‌ترین دولت در تاریخ جمهوری اسلامی است و نیازی به نظارت ندارد^۱ اما در عمل، همگان شاهد بودند که با توجه به ساختار و نیز- اصطلاحاً- چک سفیدی که نهاد نظارتی در اختیار دولت قرار داد، وضعیت چگونه شد تا جایی که صحبت از ناپدید شدن ۱۵۰ میلیارد دلار نفتی در ۸ سال (دو دولت) گذشته است^۲؛ چنانچه برخی نمایندگان مجلس میل وافری به ادغام در دولت

۱. اگر نهادهای نظارتی، کار خود را به موقع انجام می‌دادند، هرگز به این مرحله نمی‌رسیدیم.

۲. بنگرید به: «۱۵۰ میلیارد دلار نفتی گم شده است»؛ گفت و گو با فرشاد مؤمنی؛ چهل و چهارمین شماره ماهنامه سیاسی- فرهنگی نسیم بیداری، دی ۹۲.

داشتند و همراهی یک نهاد نظارتی با دولت، نتیجه ای جز آنچه شاهدش بودیم در پی ندارد. اگر نهادهای نظارتی، قانونگذاری، قضایی و مطبوعاتی در رادیو و تلویزیون حالت انتقادی سالم خود را به عنوان چشم بیدار ملت حفظ نکنند، شاهد فساد بیشتر در کشور خواهیم بود. از نظر اینکه کدامیک از نظریه های مرور شده در مقاله، می تواند وضعیت فساد در کشور را تبیین کند، باید گفت اغلب نظریاتی که در ابتدای این نوشتار مرور گردید، در بخش های مختلف کاربرد دارد که بحث مبسوط آن در اینجا مقدور نیست و به طور خلاصه می توان نتیجه گرفت که موارد زیر در کشورمان با شدت و ضعف در بخش ها قابل ردیابی است: نظر گری بکر مبنی بر احتمال محکومیت پایین و نیز تخفیف مجازات، منجر به افزایش در مطلوبیت انتظاری ناشی از جرم می شود و لذا جرایم بیشتری اتفاق می افتد.^۱

نتایج پژوهش های بسیار در سال های اخیر در زمینه اثرات فساد، استدلال های مکتب کارآمدی فساد را با چالش مواجه کرده و بیانگر این حقیقت است که فساد، حرکت به سمت توسعه را کند می کند، ولی با توجه به اینکه توسعه از نظر تصمیم گیران در سال های اخیر، لا اقل اولویت یکم نبوده،^۲ مکتب کارآمدی فساد نیز می تواند توجیه شود. «نظریه کارکردگرایی ساختاری» که بیشتر به ساختارهای کلان جامعه و کیفیت کارکردهای آنها در بروز فساد می پردازد، و فساد افزایش یابنده را معلول عدم توسعه یافتگی نظام های سیاسی و اقتصادی می داند نیز در بخش هایی پاسخگو است. در سطح خرد و در قالب «نظریه عقلانیت فردی» معطوف به ویژگی های رفتاری و هنجاری کارگزاران حکومتی و غیر حکومتی مرتبط، که فساد به عنوان نتیجه محاسبات عقلانی هزینه ها و سودهای کارگزاران حکومتی تلقی می شوند که افراد تصمیم گیر، موجوداتی عقلانی هستند که می کوشند منافع حداکثری خود را از منابع کمیاب تحقق بخشند.

«رویکرد هزینه- فایده» که فایده یک اقدام را نسبت به هزینه آن بزرگتر ببینند، «رویکرد محرومیت نسبی» که افراد نسبت به داشته های خود احساس بی عدالتی کنند، «رویکرد رانت جویی» که امتیازات ویژه اقتصادی (رانت) که در اختیار تصمیم گیرندگان قرار می گیرد و قوانینی که با تصمیمات فردی، زمینه را برای ایجاد بازار سیاه مجوزها فراهم می کند، «رویکرد کارفرما- غیر کارگزار» که اجرای کارهای کلان به افراد خاصی واگذار می شود، و

۱. امروزه مجموع اختلاس های در حال پیگیری و دادرسی، حدود ۳ میلیارد دلار، و اگر رقم اختلاس فوق را بپذیریم، حدود ۲ درصد آن در حال رسیدگی است!
 ۲. با توجه به انحلال سازمان برنامه و بلا اثر شدن و سپس منتفی شدن برنامه چهارم توسعه و نیز برداشتن عنوان توسعه از برنامه پنجم کشور.

«رویکرد حامی - پیرو» که باندبازی در ساخت سیاسی، نوچه‌گرایی در انتصاب‌ها و گماردن پیروان در گلوگاه‌های تصمیم‌گیری را توضیح می‌دهد، به میزان قابل توجهی در سال‌های اخیر در کشور رایج بوده است.

این در حالی است که حتی امام علی (ع) کارگزاران خود را بری از فساد نمی‌دانست و به صورت علنی و مخفیانه بر اعمال آنان نظارت و در مواقع لازم آنان را به سختی توبیخ و برکنارشان می‌فرمود. برای نمونه در نامه به یکی از فرمانداران خیانتکار که در سال ۴۰ هجری به نقل طبری نوشته شده، می‌خوانیم: فَاتَّقِ اللَّهَ وَارْزُقْ إِلَى هَوْلَاءِ الْقَوْمِ أَمْوَالَهُمْ ... وَ اللَّهُ لَوَ أَنَّْ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فَعَلَا مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتَ مَا كَانَتْ لِهَمَّا عِنْدِي هَوَادَةٌ وَ لَا ظَفِيرًا مِثِّي بِإِرَادَةٍ حَتَّى أَخَذَ الْحَقَّ مِنْهُمْ: پس از خدا بترس، و اموال آنان را باز گردان، ... سوگند به خدا اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو انجام دادی، از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزو نمی‌رسیدند تا آنکه حق را از آنان باز پس ستانم (نهج البلاغه، نامه ۴۱).

همچنین در نامه به زیاد بن ابیه، جانشین فرماندار بصره (ابن عباس از طرف امام فرماندار بصره بود و بر حکومت اهواز و فارس و کرمان و دیگر نواحی ایران نظارت داشت): همانا من، براستی به خدا سوگند می‌خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده، و در هزینه عیال، در مانده و خوار و سرگردان شوی با درود (نهج البلاغه، نامه ۲۰).

و نیز نامه به اشعث ابن قیس فرماندار آذربایجان: همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است، ... در دست تو اموالی از ثروتهای خدای بزرگ و عزیز است، و تو خزانه دار آنی تا آنها را [بی] کم زیاد [به] من بسپاری ... با درود (نهج البلاغه، نامه ۴۱).

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اکبری، محمود (۱۳۷۶) اخلاق و احکام اداری؛ قم: شفق.
۴. استفانی، گاستون؛ ژرژ لواسور و برنار پولوک (۱۳۷۷) حقوق جزای عمومی؛ ترجمه حسن دادبان؛ دانشگاه علامه طباطبایی.

۵. بحار الانوار، جلد ۱۰۱، حدیث ۱۱.
۶. تانزی ویتو (۱۳۷۸) مسأله فساد، فعالیت های دولتی و آزاد؛ اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۵۰-۱۴۹.
۷. جولیس گولد و ویلیام کوسب (۱۳۷۶) فرهنگ علوم اجتماعی؛ تهران: انتشارات مازیار.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق) وسائل الشیعه؛ ۲۹ جلدی، قم: مؤسسه آل البیت.
۹. حسنی، علی و ع. شمس (۱۳۹۱) راهکارهای مبارزه با فساد اداری بر اساس ارزش های اسلامی؛ سال ۲، شماره ۱، پاییز و زمستان.
۱۰. خضری، محمد (۱۳۸۱) گزارش پژوهشی علل ایجاد و گسترش فساد در نظام بانکی کشور؛ انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. دادگر، حسن: فساد مالی: عوامل و راهکارهای خلاصی، مؤسسه دانش و اندیشه معاصر، (در دست چاپ).
۱۲. دادگر، یداله و نظری، روح اله (۱۳۸۸) بررسی شاخص فساد مالی در ایران و کشورهای برگزیده جهان؛ اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیست و سوم، شماره ۱۱-۱۲ (پیاپی ۲۶۴).
۱۳. دادگر، حسن (۱۳۸۲) رویکرد اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور؛ اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱، پاییز.
۱۴. دانش، تاج زمان (۱۳۸۰) کتاب مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟؛ تهران: انتشارات کیهان، چاپ نهم.
۱۵. دفتر بررسی های اقتصادی مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۷) بازشناسی مؤلفه های مؤثر بر اختلاس در ایران؛ مجلس و پژوهش، ش. ۲۵.
۱۶. راغفر، حسین (۱۳۹۲) فساد و ابعاد آن: <http://www.bashgah.net>
۱۷. راه حل های مبارزه با فساد مالی از نظر اسلام (۱۳۹۲): <http://www.edalatgolestan.ir>
۱۸. ربیعی، علی (۱۳۸۳) زنده باد فساد، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۹. ربیعی، علی (۱۳۹۲) فساد و ابعاد آن: <http://www.bashgah.net>

۲۰. رهبر، فرهاد و همکاران (۱۳۷۴) بازشناسی عارضه فساد مالی؛ ج ۱، جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۲۱. رهبر، فرهاد؛ فضل الله میرزاوند و غلامرضا زال پور (۱۳۸۱) بازشناسی عارضه فساد مالی، ماهیت، گونه ها، پیامدها و آموزه های تجربی؛ جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۲۲. رهنورد، فرج اله؛ حبیب ا... طاهرپور کلانتری و اعظم رشیدی (۱۳۸۹) شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه های اجرایی؛ پژوهشنامه مدیریت اجرایی، سال دهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۸).
۲۳. رویکردی اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور (۱۳۸۹): <http://www.hawzah.net>
۲۴. زاهدی شمس السادات (۱۳۷۵) نگرشی بر فساد و آثار آن؛ دانش مدیریت، دوره اول، شماره دوم، بهار.
۲۵. سمیعی، ح. (۱۳۴۸) حقوق جزا؛ انتشارات شرکت مطبوعات.
۲۶. صادقی، حسین و همکاران (۱۳۸۹) اقتصاد جرم؛ انتشارات نور علم.
۲۷. صادقی، حسین؛ عباس عساری و وحید شفاقی شهری (۱۳۸۹) اندازه گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی
۲۸. صباحی، احمد و سعید ملک الساداتی (۱۳۸۸) اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی؛ فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش. ۵۳.
۲۹. طبیبیان، محمد و نادر حبیبی (۱۳۷۴) ایجاد انضباط مالی در بخش عمومی؛ مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی توسعه.
۳۰. علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۴۳) حقوق جنایی؛ تهران: انتشارات رودکی.
۳۱. غلامرضا تاجگردون (۱۳۹۲) دلایل بروز فساد و رانت در اقتصاد کشور:
۳۲. فانی، اصغر و م. علیزاده ثانی (۱۳۸۶) تأثیر فساد اداری بر توسعه انسانی جوامع؛ فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، س. ۲، ش. ۱ و ۲.
۳۳. کافمن، دانیل (۱۳۷۷) فساد: واقعیت ها؛ ترجمه اکبر شکوهی؛ تحوّل اداری، دوره پنجم، شماره ۱۹، آذر.

۳۴. لوییس کوریر، پل، فساد و اخلاق، ترجمان اقتصادی، شماره ۴۹.
۳۵. لیلاز، سعید (۱۳۹۲) لزوم مبارزه با فساد فارغ از جناح بندی، آرمان امروز، ۸ دی ماه.
۳۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق) بحار الانوار؛ بیروت: مؤسسه الوفا.
۳۷. مصدقیان، حسین علی (۱۳۸۹) بسترهای اخلاق اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه؛ فصلنامه پژوهش نامه اخلاق، ش. ۷ و ۸.
۳۸. مکارم شیرازی (۱۳۷۴) اقتراح؛ فلسفه و کلام؛ فصلنامه نقد و نظر، شماره ۵، زمستان
۳۹. مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد (۱۳۸۲) فساد مالی و اقتصادی، ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله؛ ج ۱ تا ۳.
۴۰. مومنی، فرشاد (۱۳۹۲) جذابیت های رانتی دفاع ایدئولوژیک از بازار آزاد.
۴۱. مومنی، فرشاد (۱۳۹۲) دوران رانتزایی و رانتجویی باید پایان یابد/راه ۲۵ سال گذشته رانکرار نکنیم: www.khabaronline.ir
۴۲. نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۷) تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران؛ ج ۲، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۴۳. هیوود، پل (۱۳۸۱) فساد سیاسی، ترجمه محمد طاهری و بنی هاشمی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴۴. کاکس، رابرت و همکاران (۱۳۸۲) دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی (مجموعه مقالات)؛ ترجمه حسین راغفر؛ نقش و نگار.
۴۵. وسائل الشیعه، جلد ۱۲، حدیث ۲، باب ۵.
46. Becker, Gary S. (1968) Crime and Punishment: An Economic Approach; Journal of Political Economy, University of Chicago Press, Vol. 76: 169.
47. <http://www.transparency.org>
48. <http://www.hawzah.net>
49. <http://www.bashgah.net>
50. <http://www.khabaronline.ir>
51. <http://www.khabaronline.ir>
52. <http://www.tahoorkotob.com/>
53. Huntington, S. P. (1968) Political order in changing societies; New Haven, Yale university press.

54. Islām va Pazhūeshhāye Modirīyati, Vol.2. No.1, Fall & Winter 2012-13.
55. Robin, T. (1990) Corruption, Development, and Underdevelopment; Duke Uni. Press.
56. United Nations action against Corruption an Bribery,1990.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی